



doi: [10.30497/ies.2024.245264.2195](https://doi.org/10.30497/ies.2024.245264.2195)



Received: 2023/10/30

Accepted: 2024/03/09

## Introducing Islamic Measure of Consumption Balance (Tawaazun) as an Alternative to Orthodox Indexes of Income Inequality and Investigating The Effect of Khums on It

Mohammad Mahdi Abdi\*

Mohammad Solaimani\*\*

### Abstract

Measuring inequality and investigating the distributional consequences of policies is a main prerequisite for policy making in the area of inequality; furthermore, answer of this question that "Is a limit of inequality justifiable? If so, by what analysis and to what extent?" requires a theory of justice and an index that should be based on the society values. This research after criticizing theoretical foundations of conventional indexes of income inequality and presenting the Islamic definition of "Consumption Balance" (Tawaazun; the range between poverty and extravagance) as an alternative, introduce a measure which is in accordance with this definition: The proportion of poverty and extravagance to the consumption of society. Then we use this index for measuring unjustifiable inequality (consumption imbalance) of Iran's economy, and estimating the effect of Islamic tax (Khums) on it. Estimations express increasing trend of consumption balance in studied years and much more increase of it in case of khums execution.

**Keywords:** Index, Inequality, Balance, Khums, Poverty, Extravagance.

**JEL Classification:** P46, I32, H24, D63

---

\* M.A. Student of Islamic Studies and Economics, Imam Sadiq (pbuh) University, Tehran, I.R.Iran (Corresponding author).

m.abdi@isu.ac.ir

0009-0009-9852-2889

\*\* Assistant Professor, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadiq (pbuh) University, Tehran, I.R.Iran.

solimani@isu.ac.ir

0000-0001-8310-2253

دوفصلنامه علمی «مطالعات اقتصاد اسلامی»، مقاله پژوهشی، سال پانزدهم، شماره دوم (پیاپی ۳۰)، بهار و تابستان ۱۴۰۲، صص. ۵۵۹-۵۹۶

مقاله برای اصلاح به مدت ۶ روز نزد نویسندگان بوده است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۹

## طراحی شاخص اسلامی توازن مصرف به عنوان بدیل شاخص های متعارف نابرابری و بررسی اثر خمس بر توازن (با تأکید بر نظر شهید صدر)

محمد مهدی عبدی\*

محمد سلیمانی\*\*

### چکیده

یکی از اصلی ترین پیش نیازهای سیاست گذاری در جهت کنترل و رفع نابرابری و نیز بررسی پیامد توزیعی سیاست ها، سنجش نابرابری و پایش وضعیت آن در جامعه است. از سویی، پاسخ این پرسش که «آیا حدی از نابرابری موجه است؟ و اگر آری، با چه تحلیلی و تا چه اندازه ای؟»، نیازمند یک نظریه عدالت و نیز سنجه ای مبتنی بر معیارهای ارزشی است. در این پژوهش در کنار نقد مبانی نظری سنجه های متعارف نابرابری درآمد و ارائه تعریف اسلامی «توازن» مصرف (محدوده میان فقر و اسراف) به عنوان تحلیلی بدیل، به دنبال معرفی شاخص متناسب با این تعریف ارزشی، سنجش آن برای اقتصاد ایران (۱۳۹۰-۱۳۹۹) و برآورد اثر مالیات اسلامی خمس بر توازن هستیم. با مطالعه منابع دینی و استنباط علمای اسلامی (با تأکید بر نظر شهید صدر)، نسبت فقر و اسراف در مصارف جامعه و به عبارتی عدم توازن مصرف به عنوان یک سنجه اسلامی و معیار نابرابری ناموجه معرفی می گردد. برآوردها بیانگر روند افزایشی توازن در سال های مورد بررسی است. از سوی دیگر در بخش پایانی مقاله نشان داده ایم که در صورت اجرای خمس شاهد افزایش سطح توازن در اقتصاد ایران خواهیم بود.

واژگان کلیدی: شاخص، نابرابری، توازن، فقر، اسراف، خمس.

طبقه بندی JEL: P46, I32, H24, D63

\* دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

m.abdi@isu.ac.ir

0009-0009-9852-2889

\*\* استادیار، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

solimani@isu.ac.ir

0000-0001-8310-2253

## مقدمه

نابرابری از مسائل مهم علمی و عملی اقتصاد است. برای طراحی سیاست‌های توزیعی و اصلاح وضع نامطلوب به مطلوب و نیز بررسی پیامد توزیعی سیاست‌ها، سنجش نابرابری و پایش آن در جامعه امری لازم است. از سویی، سنجش نابرابری، صرفاً بیان ریاضی توزیع یک متغیر در جامعه است؛ اما اینکه چه حدی از نابرابری موجه باشد، بر اساس ارزش‌های غالب جامعه تعیین می‌شود. (Cowell, 2011, p. 10)؛ به عبارت دیگر، پاسخ این پرسش که «آیا حدی از نابرابری موجه است؟ و اگر آری، با چه تحلیلی؟ و تا چه اندازه‌ای؟»، نیازمند نظریه عدالت و همچنین سنجه‌ای مبتنی بر معیارهای ارزشی است. در واقع سنجش بدون هنجار، ممکن نیست و یک سنجه مفید باید از هر دو ویژگی اندازه‌گیری اثباتی و ارزش‌گذاری هنجاری برخوردار باشد (Sen & Foster, 1997, p. 3). به همین دلیل، هر تجویز سیاستی علاوه بر بهره‌گیری از سنجه توصیفی مناسب، به تحلیل ارزشی وضع عادلانه و نمایش آن در فرایند سنجش و تبیین نابرابری هم نیاز دارد. به طور خلاصه، سنجش بدون ارزش و ارزش بدون سنجش، هر دو در عمل ناممکن است.

با این مقدمه، هدف اصلی ما در این پژوهش یافتن سنجه نابرابری مبتنی بر ارزش‌های اسلامی است که در این مسیر، پس از نقد مبانی نظری سنجه‌های هنجاری مطلوبیت‌گرا و ارائه تعریف اسلامی «توازن» مصرف به عنوان تحلیل بدیل مطلوبیت‌گرایی نهادینه در شاخص‌های متعارف نابرابری، سنجه‌ای را متناسب با این تعریف ارزشی معرفی می‌کنیم و سپس با بهره‌گیری از داده‌های طرح درآمد و هزینه خانوار سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ (مرکز آمار ایران)، وضع توازن در اقتصاد ایران را می‌سنجیم. با شناخت تحلیل اسلامی وضع مطلوب نابرابری و نیز یافتن سنجه و تبیینی متناسب با آن برای توصیف وضع موجود، تجویز چگونگی سیر از موجود به مطلوب را نیز از مسیر خمس به عنوان مالیاتی اسلامی پی می‌گیریم و اثر آن بر توازن را هم بررسی می‌نماییم.

## ۱. پیشینه پژوهش

ابتنای سنجش نابرابری بر ارزش اسلامی، گامی نو در پیشبرد نظری و عملی اقتصاد اسلامی است که به تبع، پیشینه خاص چندانی در این حوزه وجود ندارد؛ البته می‌توان به

مواردی که به طور عام تری به این حوزه و لوازم پیشینی و پسینی آن مرتبط هستند، اشاره نمود:

غفورزاده و عسکری و (۱۳۹۳)، با مقایسه شاخص های فقر چندبعدی در اقتصاد متعارف با مفهوم فقر در اسلام، مفهوم اسلامی فقر را جامع تر از مفهوم موجود در شاخص های فقر متعارف و آن را بیشتر متوجه رفع فقر نسبی (و نه فقر مطلق) و ایجاد توازن اقتصادی دانسته اند؛ با این حال، مفهوم توازن و رابطه آن با فقر دقیقاً مشخص نگردیده و شاخصی نیز جهت سنجش آن ارائه نشده است.

یوسفی (۱۳۹۵)، با تأکید بر نامطلوب بودن حدود مصرفی اسراف و فقر، تحلیل اسلامی توازن را تقریباً مشخص و تصور جواز توسعه مصرف به محدوده اسراف را رد نموده است؛ با این وجود، هیچ کدام از دو پژوهش، معیار معینی برای حد فقر یا اسراف به دست نداده و آن را به عرف سپرده اند.

رجایی (۱۳۹۲)، ضمن اشاره به این تحلیل از توازن، شاخص هایی از جمله نسبت تعداد خانوارهای محدوده توازن به کل خانوارهای جامعه و نیز ضریب تغییرات مصرف جامعه را برای سنجش توازن پیشنهاد نموده است. در این پژوهش نیز علاوه بر مشخص نبودن معیار حدود فقر و اسراف، شاخص های تعریف شده، به طور مستقیم با مفهوم توازن مرتبط نیست.

مختاربند (۱۳۹۹)، گرچه مفهوم فقر را به خوبی بیان نموده، به تحلیل توازن پرداخته و با وجود معیاری ارزشی برای فقر (چنان که در ادامه خواهد آمد)، حد فقر را نیز بر اساس معیاری آماری و نامرتبط با توازن، تعیین کرده است.

درباره تجویز خمس در جهت سیاست افزایش توازن که پس نیاز سنجه توازن نیز می باشد، کاشیان (۱۳۹۴) با بررسی آماری، اثر خمس در کاهش نابرابری و ضریب جینی و نیز افزایش درآمد مالیاتی را قابل توجه و با استناد به منابع فقهی و روایی، آن را یکی از منابع درآمدی دولت اسلامی بیان کرده است؛ با وجود این، توجهی به نسبت خمس، به عنوان تجویزی اسلامی، با تحلیل و سنجه اسلامی توازن نداشته است.

سلیمانی و سرمست شوشتری (۱۳۹۸) هم با توجه به اهمیت طراحی نظام مالیاتی منطبق با اسلام و نیز با تأکید بر بعد حکومتی خمس به عنوان منبع مالی دولت اسلامی،

ساختاری دوگانه و مرکب از خمس ارباح مکاسب و مالیات بر مجموع درآمد را پیشنهاد داده‌اند به این صورت که فرد با پرداخت خمس از مالیات بر مجموع درآمد معاف گردد. باین حال به تحلیل توازن و سنجش اسلامی نابرابری و همچنین اثر خمس بر آن پرداخته‌اند.

با توجه به این کاستی‌ها، در پژوهش پیش‌رو تلاش شده است که پس از نقد درون‌گفتمانی تحلیل متعارف نابرابری، تحلیل اسلامی توازن و حدود فقر و اسراف و نیز سنجه متناسب با آن به‌روشنی معرفی و وضع توازن در سال‌های گذشته سنجش شود؛ همچنین جایگاه خمس در این تحلیل و اثر آن در جهت افزایش توازن هم مورد بررسی قرار گیرد.

## ۲. توصیف نابرابری

سنجه‌های نابرابری به دو نوع عینی<sup>۱</sup> (اثباتی<sup>۲</sup>) و ارزشی (هنجاری<sup>۳</sup>) قابل تقسیم هستند. سنجه‌های عینی چون ضریب جینی<sup>۴</sup>، انحراف از میانگین نسبی<sup>۵</sup> و واریانس<sup>۶</sup> در پی سنجش آماری اختلاف نسبی درآمد و سنجه‌های هنجاری چون دالتون<sup>۷</sup> و اتکینسون<sup>۸</sup> در پی ارزش‌گذاری اخلاقی<sup>۹</sup> کمتر برای حالت‌های نابرابرتر (با فرض ثبات کل درآمد) از طریق تابع رفاه اجتماعی<sup>۱۰</sup> هستند (Sen & Foster, 1997, p. 2). اگرچه سنجه‌های عینی، تحلیل<sup>۱۱</sup> و تبیین<sup>۱۲</sup> ارزشی از نابرابری ارائه نمی‌دهند، در مرحله توصیف<sup>۱۳</sup> نابرابری مفید می‌باشند. به‌منظور آشنایی با سنجه‌های توصیف‌گر نابرابری، به مرور اجمالی مهم‌ترین سنجه‌های عینی می‌پردازیم (Cowell, 2011, pp. 19-27; Sen & Foster, 1997, pp. 25-30).

1. Objective
2. Positive
3. Normative
4. Gini Coefficient
5. Relative Mean Deviation
6. Variance
7. Dalton
8. Atkinson
9. Ethical Valuing
10. Social Welfare Function
11. Analysis
12. Explanation
13. Description

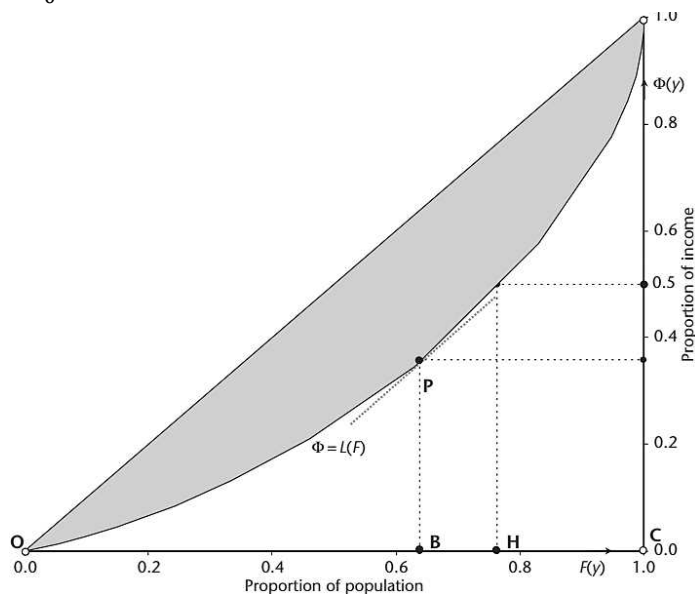
جدول (۱): روابط سه نوع مهم سنجه های عینی

واریانس	انحراف از میانگین نسبی	ضریب جینی
$V = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n [y_i - \bar{y}]^2$	$M = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n \left  \frac{y_i}{\bar{y}} - 1 \right $	$G = \frac{1}{2n^2 \bar{y}} \sum_{i=1}^n \sum_{j=1}^n  y_i - y_j $

Source: (Cowell, 2011)

منحنی لورنز<sup>۱۴</sup> نشان می دهد که چه نسبتی از درآمد جامعه ( $\Phi(y)$ ) در اختیار چه نسبتی از جمعیت ( $F(y)$ ) قرار دارد که به تبع، هر قدر منحنی لورنز به قطر صفحه، یعنی منحنی مربوط به توزیع برابر، نزدیک تر باشد، شاهد نابرابری درآمدی کمتری خواهیم بود. ضریب جینی به عنوان مشهورترین سنجه عینی نابرابری را می توان از نسبت سطح مشخص شده (بین قطر و منحنی لورنز) در شکل ۱ به کل سطح زیر قطر آن نیز محاسبه نمود که معادل است با دو برابر سطح مشخص شده:

$$G = 1 - 2 \int_0^1 \Phi(F) dF \quad \text{رابطه ۱}$$

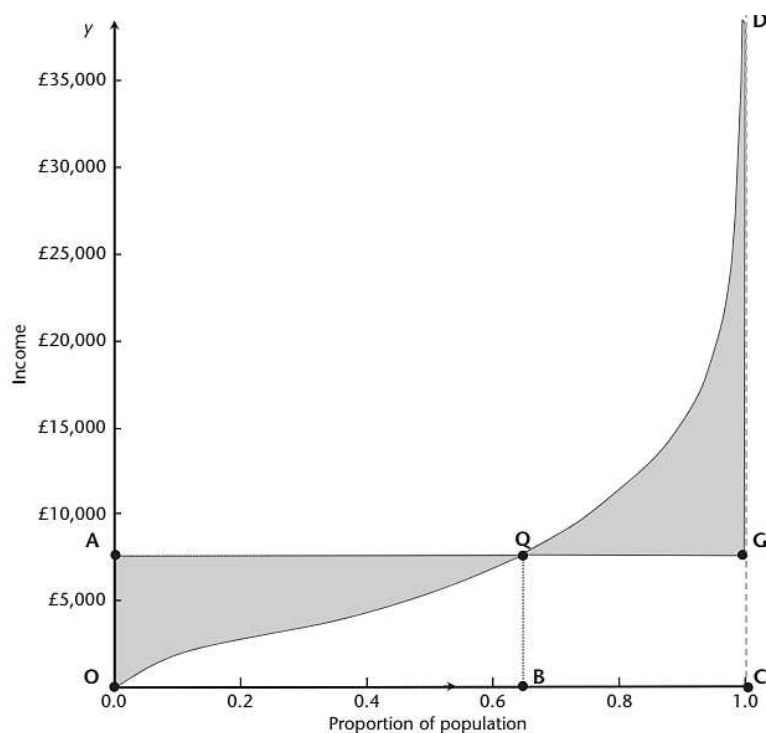


Source: (Cowell, 2011)

شکل (۱): نمونه یک منحنی لورنز

اگر محورهای نمودار توزیع فراوانی نسبی تجمعی را جابه‌جا کنیم، نموداری به دست می‌آید که وارون نمودار اولیه و نشان‌دهنده بیشینه درآمدی است که هر نسبت از جامعه، در اختیار دارد. سنج انحراف از میانگین نسبی، زمانی حاصل می‌شود که مجموع فاصله درآمدها از میانگین درآمد (سطح مشخص شده در شکل ۲) را بر کل درآمد جامعه تقسیم کنیم که در این صورت، هر چه مقدار سنج به صفر نزدیک‌تر باشد، نابرابری کمتر خواهد بود. از سوی دیگر، می‌توان این سنج را با استفاده از منحنی لورنز نیز محاسبه نمود:

$$M = 2[F(\bar{y}) - \Phi(\bar{y})] \quad \text{رابطه ۲}$$



Source: (Cowell, 2011)

شکل (۲): نمونه یک توزیع فراوانی نسبی تجمعی وارون درآمد

### ۳. تبیین نابرابری

چنان که گفته شد، سنجه‌های عینی به دلیل فقدان زیربنای تحلیل و به تبع چهارچوب تبیین، قابلیت قضاوت ارزشی نابرابری را ندارند و بنابراین، به سنجه‌های هنجاری نیازمند هستیم. در این بخش به بیان رفاه اجتماعی به عنوان چهارچوب‌های متعارف<sup>۱۵</sup> تبیین رابطه درآمد و نابرابری (به عبارتی تصریح<sup>۱۶</sup> رابطه اندازه‌گیری نابرابری ارزش‌گذاری شده) در سنجه‌های هنجاری خواهیم پرداخت تا زمینه برای نقد تحلیل موجود در آن‌ها و بررسی تحلیل اقتصاد اسلامی از نابرابری در بخش بعدی فراهم شود. یکی از روش‌های ورود ارزش‌های اخلاقی در سنجش نابرابری، استفاده از تابع رفاه اجتماعی است که حالت‌های ممکن رفاه جامعه را بر اساس ترجیحات ترتیبی<sup>۱۷</sup> و تابع مطلوبیت عددی<sup>۱۸</sup> افراد آن، رتبه‌بندی و امتیازدهی می‌کند. این تابع، بیان‌گر ارزش عرفی افراد برای هر حالت است که در این جا، همان توزیع درآمد جامعه می‌باشد؛ در این صورت، رفاه اجتماعی ارزش‌گذاری شده برای حالت A، تابعی از  $y_i$  یعنی درآمد فرد  $i$ ام در توزیع درآمد A، خواهد بود.

باید توجه داشت که این تابع در اصل سنجه‌ای برای رفاه در زمینه دوگانه کارایی - برابری<sup>۱۹</sup> در مکتب اقتصادی نئوکلاسیک است که علاوه بر وابستگی ضمنی به کل درآمد، به درجه برابری خواهی<sup>۲۰</sup> جامعه نیز به طور عکس وابسته است. در ادامه، ابتدا فروض آن و سپس سنجه‌های نابرابری مبتنی بر تابع تصریح یافته را بررسی می‌کنیم. فروض تابع عبارت‌اند از:

۱. مقارن<sup>۲۱</sup>: در این چهارچوب، تنها عامل رفاه، درآمد است و بنابراین، با جابه‌جایی درآمد افراد با یکدیگر، مقدار تابع تغییر نمی‌یابد.

۲. غیرنزولی<sup>۲۲</sup>: در صورت پذیرش چنین فرضی، در ازای افزایش درآمد یک فرد (ولو غنی) و ثبات درآمد سایر افراد، تابع رفاه اجتماعی عدد بیش‌تری را نشان می‌دهد.

---

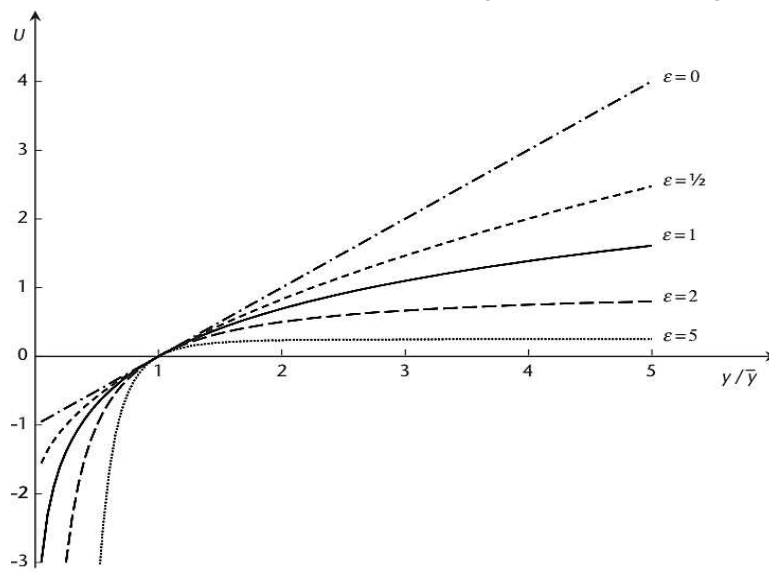
15. Orthodox  
16. Specification  
17. Ordinal Preferences  
18. Cardinal Utility Function  
19. Efficiency-Equity  
20. Egalitarianism  
21. Symmetric  
22. Nondecreasing



۳. جمع‌پذیر<sup>۲۳</sup>: تابع رفاه اجتماعی، حاصل جمع توابع مطلوبیت افراد است؛ براین اساس، مطلوبیت فرد، مستقل از توزیع درآمد در میان سایر افراد است.

۴. مقعر<sup>۲۴</sup>: در این مورد، فرض می‌شود که جامعه دارای میل به نابرابری‌گریزی<sup>۲۵</sup> است و توزیع‌های برابرتر و انتقال درآمدی از غنی به فقیر را ترجیح می‌دهد. این فرض را می‌توان معادل فرض مطلوبیت نهایی نزولی<sup>۲۶</sup> پول دانست که بر اساس آن، مطلوبیت افزوده ناشی از افزایش درآمد، کاهنده و برای غنی به مراتب کمتر از فقیر است.

حال اگر بخواهیم تابع را بر اساس این فروض تصریح نماییم، می‌توان این رابطه را پیشنهاد داد:  $W(y_1, y_2, \dots, y_n) = \sum_{i=1}^n U(y_i) = \sum_{i=1}^n \frac{y_i^{1-\varepsilon} - 1}{1-\varepsilon}$ . در این رابطه، مقدار ثابت و نامنفی  $\varepsilon$  نشان‌گر درجه تععر تابع و نابرابری‌گریزی جامعه است که افزایش آن، برابری‌خواهی بیش‌تری را نتیجه می‌دهد.



Source: (Cowell, 2011)

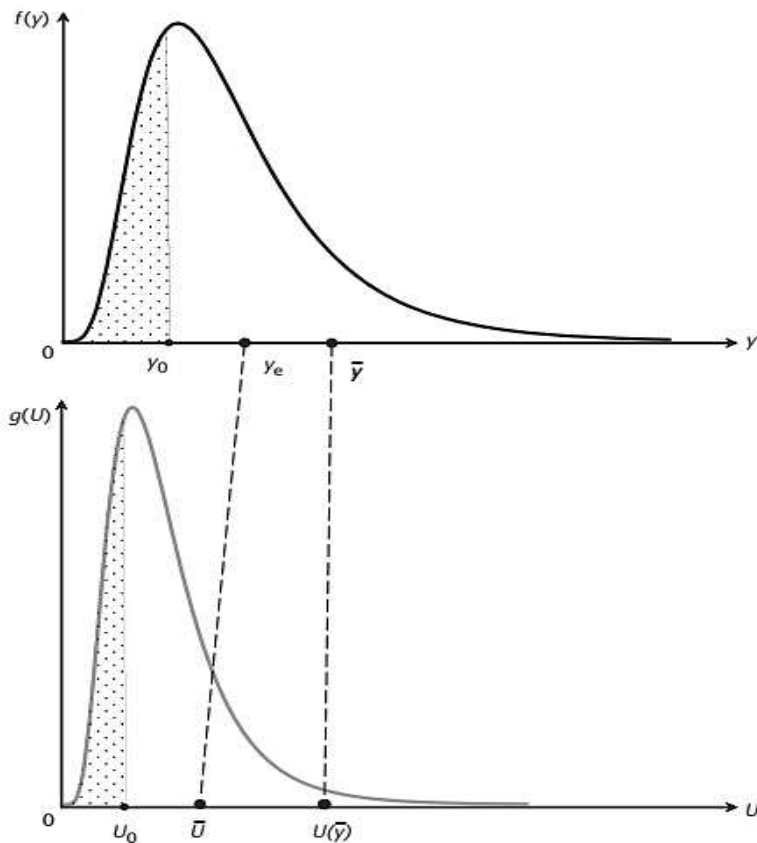
شکل (۳): تابع رفاه اجتماعی در نسبت با درآمد نسبی و به ازای مقادیر متفاوت درجه برابری‌خواهی

- 
- 23. Additive
  - 24. Concave
  - 25. Inequality Aversion
  - 26. Diminishing Marginal Utility

حالت حدی  $\epsilon = 0$  مربوط به تابع مطلوبیت گرا است که در آن جامعه مفروض نسبت به نابرابری بی تفاوت می باشد و در سوی دیگر،  $\epsilon = \infty$  مربوط به تابع رالزی است که در آن جامعه به شدت برابری خواه و رفاه آن تنها مشروط به افزایش مطلوبیت افراد دارای حداقل درآمد می باشد (Cowell, 2011, pp. 40-43).

پس از آشنایی با تابع رفاه اجتماعی، می بایست سنجه های نابرابری دالتون و اتکینسون مبتنی بر این تابع معرفی گردند (Cowell, 2011, pp. 50-52; Sen & Foster, 1997, pp. 37-38):

در شکل ۴، توزیع فراوانی درآمد و مطلوبیت جامعه تصویر شده است.  $\bar{U}$  میانگین مطلوبیت جامعه و  $y_e$  درآمدی است که در صورت اعطای برابر به همه افراد، این سطح از مطلوبیت را برای آنان تأمین می کند. به طور مشابه،  $\bar{y}$  میانگین درآمد جامعه و  $U(\bar{y})$  مطلوبیتی است که در صورت اعطای برابر میانگین درآمد به همه افراد، این سطح از مطلوبیت برای آنان تأمین می شود. همان گونه که در تصویر مشخص است،  $y_e \leq \bar{y}$  و  $\bar{U} \leq U(\bar{y})$ ؛ بدین معنا که می توان با توزیع برابر درآمدی به مراتب کمتر از درآمد کل موجود، سطح مطلوبیت کل را حفظ و آن را به طور برابر میان افراد تقسیم نمود؛ یا با توزیع برابر درآمد کل موجود، سطح مطلوبیت کل را افزایش و آن را به طور برابر میان افراد تقسیم نمود.



Source: (Cowell, 2011)

**شکل (۴): مقایسه میانگین درآمد و مطلوبیت و مقادیر متناظر آن در توزیع‌های این دو متغیر**

برهمن اساس، سنجه دالتون از طریق اندازه‌گیری مقدار کاستی میانگین مطلوبیت موجود از میانگین مطلوبیت بیشینه ممکن (در صورت توزیع برابر درآمد موجود) نسبت به آن قابل تعریف است:

$$D_\varepsilon = \frac{U(\bar{y}) - \bar{U}}{U(\bar{y})} = 1 - \frac{\bar{U}}{U(\bar{y})} = 1 - \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n \frac{y_i^{1-\varepsilon} - 1}{\bar{y}^{1-\varepsilon} - 1} \quad \text{رابطه ۳}$$

سنجه نابرابری اتکینسون نیز از طریق اندازه‌گیری مقدار کاستی میانگین درآمد کمینه ممکن (در صورت توزیع برابر مطلوبیت موجود) از میانگین درآمد موجود نسبت به آن محاسبه می‌گردد:

$$A_{\varepsilon} = \frac{\bar{y} - y_e}{\bar{y}} = 1 - \frac{y_e}{\bar{y}} = 1 - \left( \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n \left[ \frac{y_i}{\bar{y}} \right]^{1-\varepsilon} \right)^{\frac{1}{1-\varepsilon}} \quad \text{رابطه ۴}$$

#### ۴. تحلیل نابرابری

در این بخش به دنبال فهم مبنای تحلیل موجود در بطن چهارچوب متعارف تبیین نابرابری و نقد و بررسی آن بر اساس نظرهای خود اقتصاددانان معتقد به آن مبنا و در ادامه، ارائه تحلیلی اسلامی و بدیل برای نابرابری خواهیم بود (برای بررسی بیشتر این نقد و تحلیل و سپس تجویز آن، به مقاله در دست انتشار دیگری از همین نگارندگان رجوع کنید).

##### ۴-۱. نقد تحلیل نابرابری در اقتصاد متعارف

بنتهام، معیار حسن و قبح افعال افراد و جامعه را لذت و رنج ناشی از آن می‌دانست (Bentham, 2011 [1823], p. 12). مفهوم مطلوبیت و لذت با کمی‌سازی توسط جونز، به محور اقتصاد تبدیل و مصرف کالا، دارای ویژگی مطلوبیت نهایی نزولی شد (Jevons, 2013 [1911], pp. 37 & 53). در ادامه، مارشال ویژگی مطلوبیت نهایی نزولی را درباره پول نیز به کار بست (Marshall, 2013 [1920], p. 81). سپس پیگو در چهارچوب مطلوبیت گرایی، انتقال درآمد در جهت کاهش نابرابری را برای افزایش مجموع مطلوبیت‌های افراد جامعه توصیه نمود (Pigou, 2011 [1932], p. 57). اما سنجش مطلوبیت که امری درونی و نامحسوس است، غیرعادی به نظر می‌رسد. جونز امکان سنجش مطلوبیت از طریق قیمت را به دلیل تفاوت احوال درونی افراد و نیز تنوع ویژگی‌های کالاها و روابط جانشینی و مکملی میان آنها، مشکل توصیف می‌کرد (Jevons, 2013 [1911], pp. 146-147). مارشال با تفکیک میان مطلوبیت و رضایت<sup>۲۷</sup> ناشی از فعل با خواسته<sup>۲۸</sup> و میلی که منجر به آن شده است، سنجش متعارف مطلوبیت و حتی خواسته افراد را از طریق قیمت‌های تقاضا ناممکن می‌دانست (Marshall, 2013 [1920], p. 81). پیگو فراتر از عدم تطابق خواسته با مطلوبیت، مصادیقی از مخالفت خواست و منافع غیرعقلایی عموم افراد با مطلوبیت و رفاه اجتماعی واقعی آنها را بیان

27. Satisfaction

28. Desire

نمود؛ از جمله مصرف کوتاه‌بینانه حال افراد به قیمت کاستن از سرمایه آینده، اسراف منابع و سرمایه موجود و عدم رعایت عدالت بین‌نسلی (Pigou, 2011 [1932], p. 22) کینز، اقتصاددان مشهور و بنیان‌گذار مکتب اقتصاد کینزی، هم نظری هم‌سو با امکان عدم تطابق منافع فرد و جامعه و در نتیجه عدم امکان جمع مطلوبیت افراد برای دست‌یابی به رفاه اجتماعی داشت (Keynes, 1963 [1931], p. 312).

علاوه بر رد سنجش‌پذیری عددی<sup>۲۹</sup> مطلوبیت، دیگر ویژگی لازم یک سنججه، یعنی مقایسه‌پذیری ترتیبی<sup>۳۰</sup>، نیز توسط رابینز و سپس کلدور، هیکس، آرو و دیگر اقتصاددانان مطرح قرن بیستم، برای مطلوبیت مردود دانسته شد. رابینز ترجیحات افراد را ناشی از مطلوبیت خاص خودشان و در نتیجه مقایسه میان مطلوبیت آنان را در عرصه اقتصاد اثباتی ناشدنی و ناگزیر از پیروی ارزش‌های هنجاری (Robbins, 2007 [1935], pp. 89-92) و آرو نیز بر همین اساس، تجمیع مردم‌سالارانه<sup>۳۱</sup> ترجیحات افراد و رسیدن به یک ترجیح اجتماعی سازگار بر اساس رأی عرفی اکثریت را غیرممکن عنوان کرد (Arrow, 1963 [1951], p. 59) و این همان نکته‌ای است که جونز هم به آن اذعان داشته (Jevons, 2013 [1911], p. 14) و حتی از خود بتهام نیز نقل شده است (Arrow, 1963 [1951], p. 11). در نتیجه این انتقادات، تابع رفاه اجتماعی و سنججه‌های نابرابری مبتنی بر آن، از محوریت اقتصاد متعارف خارج و مفهوم کارایی<sup>۳۲</sup> جایگزین آن شد. اکنون روشن است که فروض سنججه‌های نابرابری مبتنی بر مبنای تحلیل مطلوبیت و رفاه اجتماعی تا چه اندازه مخدوش هستند؛ بر اساس بیان جونز و مارشال، فرض تقارن با ساده‌انگاری در سنجش، پیچیدگی‌های بیرونی جامعه و تنوع درونی افراد را نادیده و تابع مطلوبیت را برای همه یکسان و بر اساس انتخاب‌های صرفاً عقلایی<sup>۳۳</sup> (به معنای لزوم انطباق افعال با منطق محدود مطلوبیت‌گرایی) در نظر می‌گیرد. از سویی، جمع‌پذیری مطلوبیت‌های افراد و رسیدن به یک تابع رفاه اجتماعی غیرنزولی به دلیل نقد پیگو و کینز مبنی بر تعارض منافع شخصی و عمومی و نیز نقد رابینز و آرو مبنی بر

29. Cardinal Measurability

30. Ordinal Comparability

31. Democratic

32. Efficiency

33. Rational

مقایسه‌ناپذیری آن‌ها و ناسازگاری تجمیع، مردود است. همچنین تعیین مقدار درجه نابرابری‌گریزی در فرض تقعر، خود نیازمند ارزش‌گذاری دیگری خارج از چهارچوب مطلوبیت‌گرایی اقتصاد می‌باشد.

برای پرهیز از این خطاهای بنیادین، چاره‌ای نیست جز آنکه انسان و روابط اجتماعی او را از طریق خالق علیم او و با دیدی جامع و واقع‌نگر بشناسیم. به این ترتیب، تحلیل دینی نابرابری و به تبع تبیین و توصیف آن مطابق با واقع و تجویز مبتنی بر آن نیز در رفع تعارض اجتماعی، نتیجه‌بخش خواهد بود؛ لذا با آگاهی از این امر و نقص‌های تحلیل متعارف، در بخش بعد به جستجوی تحلیل اسلامی نابرابری بر اساس استنباط علما از منابع دینی (با تأکید بر نظر شهید صدر) خواهیم رفت.

#### ۲-۴. بررسی تحلیل نابرابری در اقتصاد اسلامی

شهید صدر پس از ذکر روایتی از امام کاظم (علیه‌السلام) (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص. ۵۳۹)، به تصویر نابرابری در نگاه اسلامی می‌پردازد: «این نصّ به وضوح تعیین می‌نماید که هدف نهایی که اسلام محقق کردن آن را طلب می‌کند و مسئولیت آن را بر ولی امر قرار داده است، غنی نمودن هر فردی در جامعه اسلامی است... پس به اعطای زکات به فقیر تا زمان غنی شدن اجازه دادند و از بیش از آن منع نمودند همان‌گونه که در خبر از امام جعفر (علیه‌السلام) آمده است: «از زکات به او اعطاء کن تا او را غنی سازی» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۳، ص. ۵۴۸؛ صدر، ۱۴۲۴ق، ص. ۷۸۷).

سپس وی با اشاره به ذیل این روایت که «... باید آنچه را از زکات گرفته است، میان افراد عائله‌اش توزیع کند تا ایشان را به سطح زندگی سایر مردم برآورد» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص. ۳۴)، تعریف اسلامی غنا را ارائه می‌دهد: «پس با بهره از نور این نصّ درمی‌یابیم که غناء در اسلام عبارت است از هزینه‌کردن فرد برای خود و عائله‌اش تا به مردم ملحق شود و معیشت او در سطح متعارف که تنگی و سختی در آن نیست، قرار گیرد» (صدر، ۱۴۲۴ق، ص. ۷۸۸).

ازسوی دیگر، ایشان با ارجاع به حرمت اسراف در قرآن کریم (اعراف / آیه ۳۱)، تصویر اسلامی نابرابری را تکمیل می‌نماید: «تحریم اسراف، حد کمّی را برای

هزینه‌های معیشت تصویر می‌کند؛ زیرا به هیچ فردی در جامعه اسلامی اجازه نمی‌دهد که از حدود عادی اشباع حاجات تجاوز کند؛ پس اگر تجاوز کرد، آن را اسراف می‌شمارد و منع آن بر دولت واجب است» (صدر، ۱۴۲۱ق، ص. ۱۰۶).

درنهایت، حد نابرابری موجه و مطلوب در اسلام را تحت عنوان توازن اجتماعی به معنای برابری نسبی و نبود اسراف و فقر، در زمینه هزینه و مصرف، مطرح می‌کند: «و اسلام از این مقدمات به این قول می‌رسد که توازن اجتماعی، توازن میان افراد جامعه در سطح معیشت است نه در سطح درآمد ... و اسلام از سوی خود، برای محقق ساختن این هدف از طریق فشرده‌سازی سطح معیشت از بالا به وسیله تحریم اسراف و از پایین به وسیله ترفیع افراد موجود در سطح پستی از معیشت، قیام کرده است؛ به این ترتیب، سطوح به یکدیگر نزدیک می‌شوند تا درنهایت در سطحی واحد و دارای درجاتی پیوسته اما نه شامل تناقضات شدید سرمایه‌مدارانه بین سطوح معیشت، درهم آمیزند» (صدر، ۱۴۲۴ق، ص. ۷۸۶).

ما این نکته را از مکتب امام صادق (علیه‌السلام) آموخته‌ایم که «مال، مال خدا است؛ آن را نزد افراد به امانت قرار می‌دهد درحالی‌که به آنان اجازه داده است که بخورند و بنوشند و پیوشند و ازدواج کنند و بر مرکب سوار شوند، همگی با میانه‌روی و اعتدال؛ و مازاد آن را به فقرای مؤمنان بازگردانند و به وسیله آن، پریشانی ایشان را برطرف کنند؛ پس هرکس چنین کند، آن چه می‌خورد و می‌نوشد و سوار می‌شود و ازدواج می‌کند، همگی حلال است و هرکس از آن تجاوز کند، بر او حرام خواهد بود. اسراف نکنید زیرا او اسراف‌کنندگان را دوست ندارد» (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۱، ص. ۵۰۰).

علامه حکیمی، با اشاره به روایاتی چون «خداوند تبارک و تعالی در اموال، میان اغنیاء و فقراء مشارکت ایجاد کرده است؛ پس اغنیاء حق ندارند که سهم مشارکت را برای غیر از شرکای خود مصرف کنند» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۳، ص. ۵۴۵؛ ج ۷، ص. ۴۹)، چنین بیان می‌کند: «و ثروتمندان را در املاک و اموال خود مالکیت تمام نبخشیده است، تا هر گونه که بخواهند آزادانه در آن اموال تصرف کنند و به مصرف برسانند بلکه آنان را در اموال، جانشین و شریک ناداران قرار داده است» (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۴، ص. ۵۷۰).

همچنین درباره این آیه شریفه در وصف عباد الرحمن، «کسانی که هنگام هزینه

نمودن، نه اسراف می‌کنند و نه تنگ می‌گیرند؛ و میان این دو، قوام (حد وسط و معتدل) است» (فرقان / آیه ۶۷)، توضیح می‌دهد: «موضع قوامی موافق با نیازمندی انسانی و تأمین زندگی افراد است در حد اقتصاد و میانه‌روی، بدون تکاثر و فقر، و تبعیض و تفاوتی سنگین...» (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۳، ص. ۱۱۶ و ۱۲۱).

علامه طباطبایی در مورد هدف مطلوب اسلام از انفاق می‌گوید: «به این وسیله می‌خواهد که سطح معیشت طبقه پایین را که نمی‌توانند نیازهای زندگی را بدون کمک مالی دیگران برطرف سازند، ارتقاء دهد تا سطح آنان را به سطح منتعمان و ثروتمندان نزدیک نماید. از سوی دیگر، از نمایش جمال و زینت در مظاهر زندگی توسط طبقه بالا، به صورتی غیرمتعارف و دور از دسترس طبقه متوسط مردم، با نهی از اسراف و تبذیر و مانند آن، منع کرده است» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، صص. ۳۸۳-۳۸۴).

شهید مطهری نیز در همین راستا بیان می‌دارد: «مال از نظر اسلام همان طوری که به فرد تعلق دارد، به اجتماع نیز تعلق دارد. حق مالکیت نامحدود نیست؛ شامل اسراف و تبذیر نیست» (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۲۰، صص. ۵۱۴ و ۵۱۶)؛ «تضییع مال به هر شکل و به هر صورت، به صورت دور ریختن، به صورت بیش از حد نیاز مصرف کردن، به صورت صرف در اشیاء لوکس و تجمل‌های فاسدکننده که در زبان اسلام از آن‌ها به اسراف و تبذیر تعبیر شده، حرام و ممنوع است» (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۲، ص. ۲۴۵).

شهید بهشتی در این باره می‌گوید: «این وضع موجود و این فاصله فراوان درآمدها و زندگی‌ها به هیچ عنوان با عدل اسلامی سازگار نیست» (بهشتی، ۱۳۹۰، ص. ۵۱)؛ «در جامعه ما، در آینده ثروتمندان بزرگ وجود نخواهند داشت. صرفاً انسان‌های عادی موجود خواهند بود که یکی نسبت به دیگری، اندکی کم‌وبیش خواهند داشت» (بهشتی، ۱۳۵۸).

امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) هم در دیدار با شورای نگهبان چنین فتوا می‌دهد: «ما حدیث داریم که می‌شود با آن فتوا داد و عمل کرد و آن این است که باشد به اینکه فقرا در مال اغنیا شریک هستند» (خمینی، بی‌تا، ج ۱۴، صص. ۳۰۲-۳۰۳)؛ «در حکومت اسلامی هرگز فاصله طبقاتی بدین صورت نخواهد شد و تقریباً همه در یک سطح زندگی خواهند کرد» (خمینی، بی‌تا، ج ۵، ص. ۲۹۳).

در پایان باید به دو نکته تحلیل شهید صدر توجه نمود: نخست آنکه مطابق بیان



شهید، حدود فقر و اسراف، به تناسب تغییر شرایط و توزیع مصارف در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، نسبی و متغیر هستند: «به اندازه‌ای که سطح معیشت ترفیع یابد، مفهوم واقعی فقر نیز توسعه می‌یابد» (صدر، ۱۴۲۴ق، ص. ۷۹۳)؛ «هرگاه درجه رفاه متعارف عمومی بالاتر باشد، اسراف به معنای تجاوز شدید از آن درجه نیز بالاتر خواهد بود» (صدر، ۱۴۲۱ق، ص. ۱۰۶).

دیگر آنکه تحلیل اسلامی نابرابری به معنای عدم توازن، بر خلاف تحلیل نابرابری مبتنی بر مطلوبیت، تضادی با کارایی و رشد درآمد ندارد بلکه با تحریم مصارف مسرفانه، به افزایش پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و در نتیجه رونق تولید و در نهایت رفع نیازهای ضروری عموم به جای نیازهای تجملی خواص، منتهی می‌گردد: «این تحریم نیازهای مصرفی را محدود و بسیاری از اموال را به جای مخارج مصرفی در موارد اسراف و تبذیر، برای مخارج تولیدی فراهم می‌کند» (صدر، ۱۴۲۱ق، ص. ۷۳۸)؛ «... مال‌ها - به طبع - در جهت اقدام‌هایی سودمند مانند «تولید درست» به کار می‌افتد، و مواد اولیه و طبیعی به گونه‌ای به مصرف می‌رسد که برای زندگی مردمان همه ضرورت دارد» (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۴، ص. ۳۰۲؛ برای بررسی بیشتر این نکته به عیوضلو، ۱۳۸۴، رجوع کنید).

با این توضیحات، در بخش بعدی برای ارائه سنجه‌ای متناسب با این تحلیل که بتواند ما را در توصیف و نیز تجویز برای رفع نابرابری ناموجه از منظر اسلامی یاری کند، تلاش خواهیم نمود.

##### ۵. ساخت سنجه اسلامی نابرابری غیرموجه

پس از آگاهی از وضع بایسته و برخاسته از تحلیل ارزشی مکتب، باید وضع عینی فعلی را نیز با سنجه‌ای متناسب با آن، سنجید (تبیین و توصیف) و سپس در راهی درست، به سوی آن گام برداشت (تجویز و سیاست‌گذاری). شهید صدر در این باره می‌گوید: «اسلام مفاهیم عدل و ظلم و حق را مبهم و ناآشنا رها نکرده و تفسیر آن را بر خلاف واعظان اخلاقی، به دیگری واگذار ننموده است بلکه تصویری دارای حدود برای عدالت و قواعد عمومی برای زندگی مردم، در زمینه‌های تولید ثروت و توزیع و مبادله

آن، ارائه داده است ... و اما مکتب اقتصادی، بر وضع این مقیاس‌ها و مجسم ساختن آن در نظام اقتصادی دارای برنامه‌ای که زمینه‌های اقتصادی گوناگون را تنظیم می‌نماید، اقدام کرده است» (صدر، ۱۴۲۱ق، صص. ۱۵۰-۱۵۱).

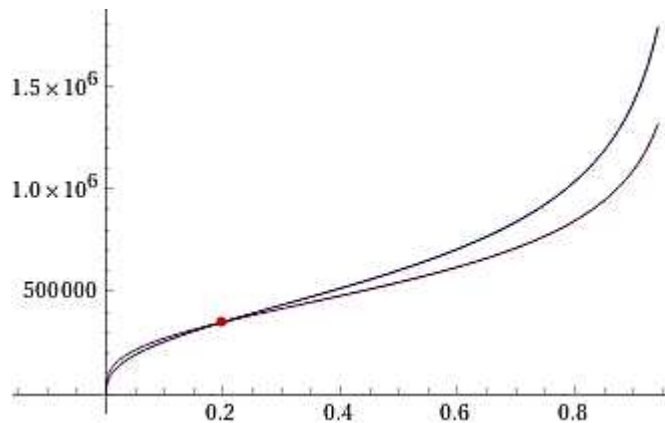
علامه حکیمی نیز، چنین ارتباطی را میان تحلیل مکتبی توازن و توصیف علمی نابرابری برقرار می‌سازد: «امکان آن هست که میزان قوامی مال و مسکن را (در مقایسه با آنچه در زمان‌های گذشته بوده است و در اخبار از آن یاد شده است) به دست آوریم، و همان را مقیاس هر زمان و هر شهر قرار دهیم (این‌ها اموری است که چند و چون آن‌ها باید در علم اقتصاد روشن گردد. ما فقط اصول بنیادین مکتب اقتصادی اسلام را مطرح می‌کنیم)» (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۴، ص. ۳۰۱).

به همین ترتیب، نقش مهم همراهی سنجش و سیاست‌گذاری در قوام معیشت را می‌توان در روایت حضرت امیر (علیه‌السلام) نیز مشاهده نمود: «قوام معیشت، نیکویی سنجش است و اساس آن، نیکویی تدبیر»<sup>۳۴</sup> (تمیمی آمدی، بی‌تا، ص. ۵۰۳). با این حال، هر چند پژوهشگران اقتصاد اسلامی، دست به معرفی تصویر این مکتب از توازن اجتماعی مطرح شده توسط منابع دینی و علمای اسلامی زده‌اند (رجایی، ۱۳۹۲؛ غفورزاده و عسکری، ۱۳۹۳؛ مختاربنده، ۱۳۹۹؛ یوسفی، ۱۳۹۵)، تاکنون آن‌گونه که بایسته است، به مقیاس و سنجش‌ای توصیف‌گر از واقع موجود که نماینده شایسته‌ای برای حالت مطلوب باشد، نپرداخته‌اند.

با درک این ضرورت، لازم است برای پایه‌گذاری سنجش علمی نابرابری بر اساس ارزش مکتبی توازن، هم‌سو با نتایج بخش قبل، حدود فقر و اسراف را بیابیم؛ بنابراین، طبق معیار شرعی بخش قبل و نیز بیان مشهور فقها (صاحب جواهر، ۱۴۰۶ق، ج ۱۵، ص. ۳۰۴)، فقر را «کسری درآمد از هزینه سالانه فرد و عائله‌اش» تعریف می‌کنیم. ترجمان این تعریف در داده‌های آماری، سطحی از توزیع مصرف است که درآمد خانوارها، هزینه‌های آنان را کفایت نمی‌کند (در تعاریف آماری موجود، هزینه به معنای هزینه مصرفی خالص و با تقریب بالایی معادل مصرف و درآمد نیز به معنای درآمد پیش

۳۴. قَوْمُ الْعَيْشِ حُسْنُ التَّقْدِيرِ وَ مِلَاكُهُ حُسْنُ التَّدْبِيرِ

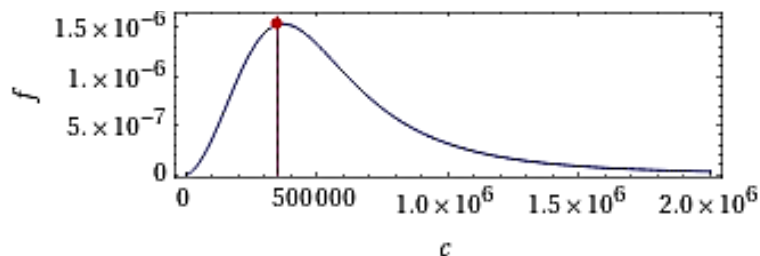
از مالیات است). برای فهم بهتر، می‌توان نمونه‌ای از نمودار توزیع درآمد و هزینه متوسط در گروه‌های درآمدی (به عبارت دقیق‌تر، تابع وارون فراوانی نسبی تجمعی این دو متغیر) را مدنظر قرار داد:



منبع: (محاسبات پژوهش)

**شکل (۵): محاسبه حد فقر در تقاطع درآمد (منحنی آبی) و هزینه متوسط خانوارها (منحنی بنفش) به ازای یک فراوانی نسبی تجمعی**

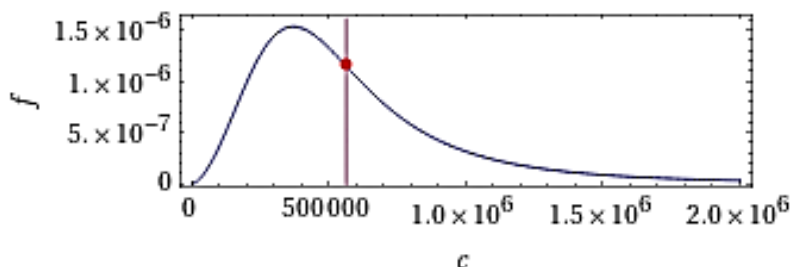
در این نمودار که محور عمودی مقدار درآمد یا هزینه متوسط خانوار (با واحد هزار ریال) و محور افقی نیز فراوانی نسبی تجمعی این دو متغیر است، مقدار هزینه در نقطه تقاطع توابع درآمد و هزینه جامعه، برابر حد اسلامی فقر نسبی و در نتیجه هر خانواری با سطح مصرف و هزینه‌ای کمتر از آن، به دلیل کسری درآمد، در محدوده فقر محسوب می‌شود. از سویی دریافتیم که غایت مطلوب اسلامی در رابطه با فقرا، الحاق آنان به سطح معیشت عموم مردم است که این نکته را می‌توان در ترسیم همان نقطه تقاطع، این بار در توزیع فراوانی هزینه مربوط به آن جامعه دید؛ جایی که حد اسلامی فقر نسبی، در نزدیکی نما<sup>۳۵</sup> و بیشینه فراوانی توزیع قرار گرفته است که با ترفیع سطح مصرف فقرا تا این حد، به‌طور شهودی نیز الحاق به حداقل سطح عمومی معیشت محقق خواهد شد:



منبع: (محاسبات پژوهش)

شکل (۶): نمایش حد فقر به عنوان حداقل معیشت عمومی در توزیع فراوانی (f) هزینه (مصرف)؛ خانوارها (c)

همچنین از مجموع منابع و بیانات بخش قبل به یاد داریم که حد اسراف نیز به عنوان سطحی از مصرف شناخته شد که افراد در آن، از محدوده الحاق به عموم و مشارکت با آنان در معیشت، خارج و با عبور از محدوده اشباع نیازهای لازم و حتی کافی، به سوی مصرف کالاهای تجملی متمایل و از عموم مردم متمایز می‌شوند. این حد، آخرین سطح از محدوده مطلوب توازن در مصرف و به عبارتی، قدر متیقن پرهیز از شمول و اطلاق محدوده تحریم شده اسراف است که می‌توان نمود چنین حدی را در نقطه عطف بخش نزولی توزیع فراوانی هزینه مشاهده کرد:

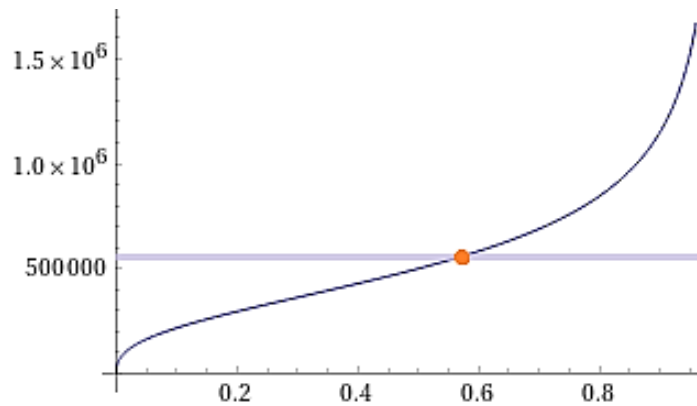


منبع: (محاسبات پژوهش)

شکل (۷): محاسبه حد اسراف و خروج از توازن در نقطه عطف توزیع فراوانی هزینه (مصرف) خانوارها

در این نقطه، مشتق دوم تابع توزیع فراوانی صفر و دچار تغییر علامت می‌گردد و از آن به بعد، جهت توزیع به سوی مقادیر بالای مصرف معطوف و شیب تابع هزینه به طور فزاینده‌ای به حدود مرتفع آن متمایل و سطح معیشت افراد از محدوده عمومی خارج

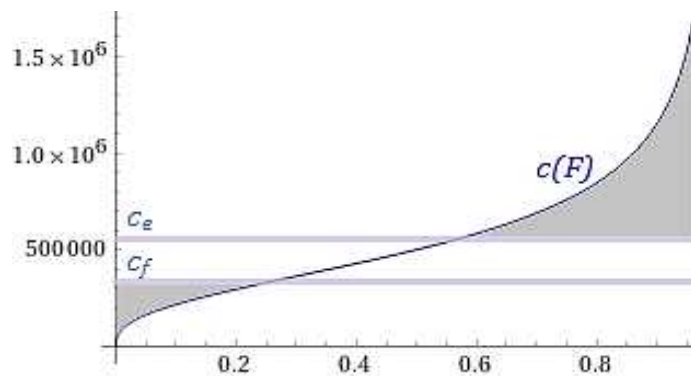
می‌شود (محور عمودی مقدار هزینه متوسط خانوار و محور افقی نیز فراوانی نسبی تجمعی آن را نشان می‌دهد):



منبع: (محاسبات پژوهش)

شکل (۸): نمایش حد اسراف به عنوان نقطه تمایز از معیشت عمومی در تابع هزینه (مصرف) خانوارها

حال با رسم هم‌زمان این دو حد در تابع هزینه، محدوده توازن مقتصد، قوام معتدل و کفایت متوسط به روشنی پدیدار می‌گردد؛ محدوده‌ای که افراد یک جامعه، در طیفی به هم پیوسته، نسبتاً برابر و به دور از فراز و فرودهای ناهنجار سطوح مصرف، در کنار یکدیگر خواهند زیست:



منبع: (محاسبات پژوهش)

شکل (۹): نمایش محدوده توازن میان دو حد فقر و اسراف و محاسبه مصارف فقیرانه و مسرفانه در تابع هزینه (مصرف) خانوارها

بنابراین، سنجه نابرابری متناسب با تحلیل اسلامی که عدم توازن در مصرف را می‌سنجد، می‌بایست ابتدا کمبود هزینه فقرا از حد فقر و نیز مازاد هزینه‌ها از حد اسراف و سپس نسبت مجموع این دو (به‌عنوان فاصله وضع موجود از وضع مطلوب) به کل هزینه‌های جامعه (به‌عنوان وضع موجود) را اندازه‌گیری نماید تا درصد واقعیت نامطلوب از کل وضعیت موجود به دست آید:

$$T = \frac{\sum_{i=1}^{F_f} (c_f - c_i) + \sum_{j=F_e}^n (c_j - c_e)}{\sum_{k=1}^n c_k} \quad \text{رابطه ۵}$$

در این رابطه که  $T$  نماد سنجه توازن،  $c_f$  و  $c_e$  حدود مصرفی فقر و اسراف و  $F_e$  و  $F_f$  نیز فراوانی تجمعی در آن دو حد هستند، مقدار سنجه به‌ازای حالت مطلوب توازن و نبود فقر و اسراف، صفر و در حالت نابرابری افراطی و عدم توازن، یعنی تعلق کل هزینه (و به‌طور ضمنی، کل درآمد) جامعه به یک نفر، برابر یک می‌گردد. هم‌چنان‌که نمایش هندسی این سنجه در شکل ۹ عبارت است از نسبت مجموع دو سطح هاشورخورده به کل سطح زیر منحنی تابع هزینه، رابطه سنجه برای توزیع پیوسته هزینه نیز برابر است با:

$$T = \frac{\int_0^{F_f} c_f - c(F) dF + \int_{F_e}^1 c(F) - c_e dF}{\bar{c}} \quad \text{رابطه ۶}$$

که در آن  $c(F)$  تابع هزینه بر حسب فراوانی نسبی تجمعی آن و  $\bar{c}$  میانگین مصرف جامعه است.

برای درک بهتر، این سنجه را برای توزیع داده‌های هزینه خانوارهای کشور در سال ۱۳۹۹ (مرکز آمار ایران) می‌سنجیم (نمودارهای فوق نیز مربوط به توزیع داده‌های خانوارهای شهری در این سال بودند که روش برازش آن‌ها در ادامه توضیح داده می‌شود).

**جدول (۲): سنجش حدود فقر و اسراف و مقدار نابرابری بر اساس سنجه توازن در سال ۱۳۹۹**

نوع خانوارهای جامعه	فراوانی نسبی تجمعی حد فقر $F_f$	فراوانی نسبی تجمعی حد اسراف $F_e$	مصرف حد فقر (میلیون تومان) $c_f$	مصرف حد اسراف (میلیون تومان) $c_e$	مقدار نابرابری بر اساس سنجه توازن $T$
شهری	۰/۲۸۰	۰/۵۷۸	۳۵	۵۶/۳	۰/۳۶۲
روستایی	۰/۴۵۶	۰/۵۶۳	۲۴/۵	۲۹/۱	۰/۴۶۵
کل	۰/۳۴۷	۰/۵۵۳	۳۳/۳	۴۷/۴	۰/۴۴۰

منبع: (محاسبات پژوهش)

براین اساس، مقادیر بالاتر این سنجه بیانگر توازن کمتر و فقر و اسراف بیشتر و در نتیجه حالات نابرابرتر است؛ اما بر خلاف سنجه‌های متعارف اثباتی (مانند ضریب جینی) یا هنجاری (مانند اتکینسون) که نقطه صفر یا وضع مطلوب آن‌ها معادل حالت برابری مطلق می‌باشد، در این سنجه نقطه صفر و وضع مطلوب عبارت است از برابری تقریبی و نسبی (به تعبیری نابرابری موجه) مصارف در محدوده توازن و نبود فقر و اسراف. اکنون با شناخت تحلیل اسلامی وضع مطلوب نابرابری و نیز یافتن سنجه و تبیینی متناسب با آن برای توصیف وضع موجود، هنگام آن است که تجویز چگونگی سیر از موجود به مطلوب را نیز با تمسک به منابع و بیان علمای دینی بیابیم و ارتباط آن با تحلیل و تبیین گفته‌شده را روشن نماییم.

#### تجویز رفع نابرابری در اقتصاد اسلامی

شهید صدر در مورد ابزار مالیاتی اسلام برای رفع نابرابری ناموجه می‌گوید: «و آن، مالیات‌های زکات و خمس است؛ پس این دو واجب مالی، تنها برای اشباع نیازهای اساسی تشریح نشده‌اند بلکه برای درمان فقر و ترفیع فقرا به سطح معیشت مربوط به اغنیاء تشریح شده‌اند تا مفهوم توازن اجتماعی در اسلام را تحقق بخشند» (صدر، ۱۴۲۴ق، ص. ۷۸۹).

علامه طباطبایی می‌افزاید: «هر ثروت ایجادشده، در حال ایجادش، ملک همه جامعه است؛ سپس سهمی از آن برای فردی که او را مالک یا عامل می‌نامیم، اختصاص می‌یابد و همچنان سهمی، یعنی سهم زکات یا سهم خمس، در ملکیت جامعه باقی می‌ماند ... و رفع اختلاف طبقات - که از اصول برنامه اسلام است - و ایجاد تعادل و توازن بین نیروهای مختلف جامعه و تثبیت اعتدال در مسیر آن با ارکان و اجزایش، جز با اصلاح حال اجزاء، یعنی افراد، و نزدیک نمودن اوضاع آنان به یکدیگر، تمام (و کامل) نمی‌شود» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، صص. ۳۸۷-۳۸۸).

شهید بهشتی نیز تأکید می‌کند: «قسمتی از مالیات‌های اصلی اسلامی، یعنی زکات و خمس، به وسیله خود مردم پرداخت می‌شود و به مصرف می‌رسد و دولت بر پرداخت آن‌ها نظارت می‌کند و از کسانی که خود پرداخت نکنند، می‌گیرد و در مصارف مقرر

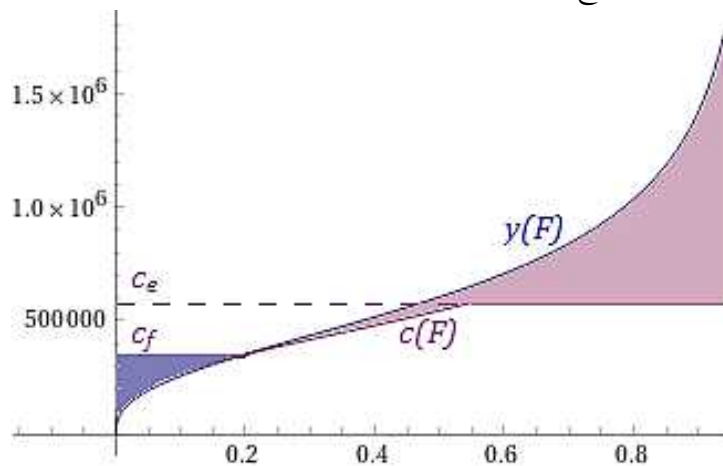
مصرف می‌کند» و این عبادات مالی اسلام را در راستای توازن جامعه می‌داند تا «از این طریق به نزدیک شدن و برادرانه شدن سطح زندگی افراد و خانواده‌ها برسیم» (بهشتی، ۱۳۸۸، ص. ۴۷۱)؛ اما در میان مالیات‌های اسلامی، مؤثرترین نوع برای رفع نابرابری ناموجه و عدم توازن در مصرف، خمس درآمد (ارباح مکاسب) می‌باشد؛ چراکه با توجه به تعریف بلاخلاف فقهی آنکه عبارت است از «خمس درآمد (از جمله سود کسب و بلکه غنیمت ناشی از رشد قیمت دارایی) مازاد بر هزینه (مثونه) سالانه فرد و عائله‌اش مشروط به میانه‌روی و عدم اسراف در مصرف» (صاحب جواهر، ۱۴۰۶ق، ج ۱۶، صص. ۶۳، ۵۷ و ۴۵)، معافیت مالیاتی<sup>۳۶</sup> به حد اسراف محدود گشته و در واقع مصارف بالاتر از این حد، مورد هدف قرار گرفته و در نتیجه به کاهش تا محدوده توازن سوق داده شده است. از سویی منابع این مالیات به قدری است که نه تنها جامعه اسلامی را قادر به کاهش و حتی رفع فقر نسبی (بنا بر تعریف اسلامی آن) سادات و بلکه کل جامعه می‌کند، چنان‌که خواهیم دید، بخش مهمی از بودجه دولت اسلامی را نیز تأمین می‌نماید.

امام راحل (رحمت‌الله‌علیه) با اشاره به روایت پیش‌گفته از امام کاظم (علیه‌السلام)، پیرامون این موضوع می‌گوید: «مالیات‌هایی که اسلام مقرر داشته و طرح بودجه‌ای که ریخته نشان می‌دهد تنها برای سد رمق فقرا و سادات فقیر نیست بلکه برای تشکیل حکومت و تأمین مخارج ضروری یک دولت بزرگ است... اشخاص باید خمس اضافه بر درآمد را پس از صرف مخارج متعارف خود به حاکم اسلام بپردازند تا به بیت المال وارد شود» (خمینی، ۱۳۸۸، صص. ۳۱-۳۲) و در دیدار با شورای نگهبان نیز چنین اعلام می‌نماید: «حکومت اسلامی به وسیله خمس اداره می‌شود... شما بیاید احکام الهی را اجرا کنید. باید قوانین وضع بشود که حقوق محرومین و فقرا به آن‌ها بازگردانده شود.» (خمینی، بی تا، ج ۱۴، صص. ۳۰۲-۳۰۴).

شهید مطهری نیز در همین راستا بیان می‌کند: «ریشه و اساس خمس این است که باید به دست پیغمبر برسد و بعد از پیغمبر هم به دست امام برسد... پس در واقع آن مقداری که زائد بر مصرف سادات فقیر است نیز تعلق دارد به مصالح عمومی مسلمین» (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۲۶، ص. ۲۶۱).



تعبیر خمس به «وجه الإمارة» در روایت محکم و متشابه (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۹، ص. ۴۸۹) و در نتیجه توصیف آن به امری حکومتی هم می‌تواند مؤید این نکته باشد. همچنین به لحاظ فقهی، ظهور اخبار و شهرت آرا بر وجوب پرداخت خمس به امام (علیه السلام) یا نواب وی و صرف مازاد نیاز سادات فقیر به عنوان بخشی از بیت‌المال در مصالح مسلمین، ثابت (صاحب جواهر، ۱۴۰۶ق، ج ۱۶، صص. ۱۰۹، ۱۵۵، ۱۶۷ و ۱۷۷) و نیز اخذ الزامی خمس از سوی حکومت اسلامی ممکن است (صاحب جواهر، ۱۴۰۶ق، ج ۲۱، ص. ۳۴۴). با توجه به قابلیت‌های ذکر شده برای خمس در منابع دینی، سطح آن از یک عبادت فردی صرف به مالیاتی اسلامی برای رفع فقر، عدم اسراف و ایجاد توازن در مصرف و نیز تأمین بودجه دولت اسلامی، ارتقاء می‌یابد. اثر اخذ خمس بر توزیع درآمد در نمودار زیر نشان داده شده است:



منبع: (محاسبات پژوهش)

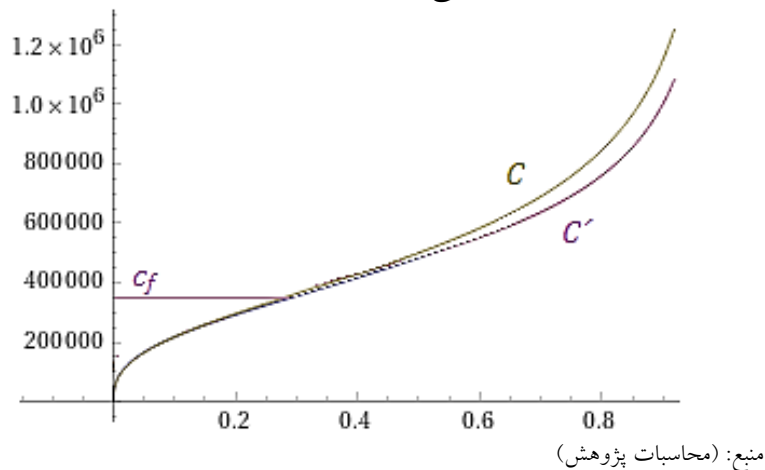
**شکل (۱۰): محاسبه مالیات خمس و یارانه رفع فقر نسبی با استفاده از توابع هزینه متوسط و درآمد و نیز حدود اسراف و فقر**

سطح مشخص شده بالاتر از حد فقر نشان‌گر پایه مالیاتی خمس (درآمد مازاد بر مصرف محدود به حد اسراف) و سطح مشخص شده پایین‌تر از آن نیز بیان‌گر یکی از مصارف خمس، یعنی یارانه لازم برای رفع فقر نسبی (کسری درآمد از مصرف حد فقر) می‌باشد که با روابط زیر قابل محاسبه هستند:

$$K = 0.2 n \left( \int_{F_f}^{F_e} y(F) - c(F) dF + \int_{F_e}^1 y(F) - c_e dF \right) \quad \text{رابطه ۷}$$

$$S = n \left( \int_0^{F_f} c_f - y(F) dF \right) \quad \text{رابطه ۸}$$

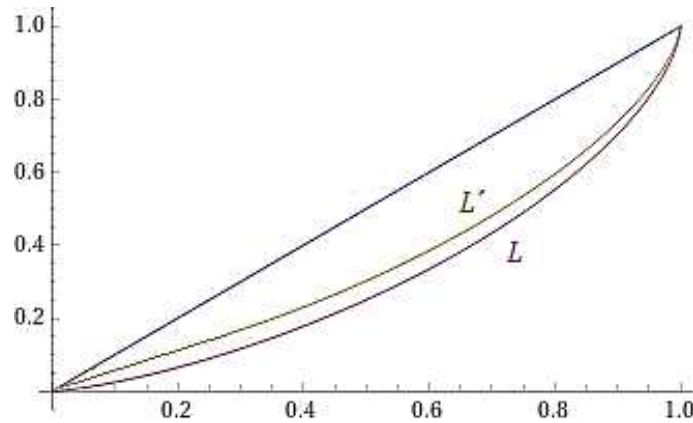
$y(F)$  تابع درآمد بر حسب فراوانی نسبی تجمعی آن،  $n$  تعداد خانوارهای جامعه،  $K$  و  $S$  خمس دریافتی و یارانه پرداختی دولت و سایر موارد نیز همان نمادهای رابطه سنجه توازن هستند. با محاسبه ضریب ۲۰ درصد برای این پایه و صرف همه یا بخشی از آن برای کاهش یا رفع فقر نسبی، هم از مصارف افزون بر حد اسراف کاسته و هم بر مصارف کمتر از حد فقر افزوده می شود تا حداقل مصرف جامعه در حد فقر یا نزدیک به آن و نیز مقدار بیش تری از توزیع در محدوده توازن قرار گیرد:



شکل (۱۱): بهبود توازن در پی اجرای خمس

(پس از خمس، تابع هزینه به جای  $C$ ، عبارت است از منحنی شکسته  $C_f$  و  $C'$ )

نتیجه چنین سیاستی کاهش قابل توجه نابرابری در تحلیل اسلامی می باشد که در نزدیک شدن منحنی لورنز (مصرف نسبی تجمعی بر حسب فراوانی نسبی تجمعی) به قطر (حد برابری مطلق مصرف) و در نتیجه کاهش ضریب جینی (نسبت سطح بین منحنی و قطر به کل سطح زیر قطر) منعکس می شود.



منبع: (محاسبات پژوهش)

### شکل (۱۲): کاهش ضریب جینی و نابرابری مصرف در پی اجرای خمس

لازم به یادآوری است که این نمودارها مربوط به همان توزیع هزینه، درآمد و هزینه متوسط گروه‌های درآمدی خانوارهای شهری در سال ۱۳۹۹ هستند که اکنون مالیات حاصل از خمس و یارانه لازم برای رفع فقر نسبی و نیز مقدار سنجه توازن و ضریب جینی پیش و پس از خمس را برای کل خانوارهای کشور در این سال برآورد می‌کنیم:

### جدول (۳): برآورد مالیات خمس، یارانه رفع فقر نسبی و نیز سنجه توازن و ضریب جینی پیش و پس از خمس در سال ۱۳۹۹

ضریب جینی پیش از خمس $G'$	ضریب جینی پس از خمس $G''$	سنجه توازن پیش از خمس $T$	سنجه توازن پس از خمس $T'$	مالیات خمس (هزار میلیارد تومان) $K$	یارانه رفع فقر نسبی (هزار میلیارد تومان) $S$
۰/۴۱۸	۰/۳۱۰	۰/۴۴۰	۰/۲۹۴	۱۹۴	۷۹

منبع: (محاسبات پژوهش)

چنان‌که مشخص است، خمس به‌عنوان تجویز متناسب با تحلیل اسلامی نابرابری، علاوه بر تأمین درآمد مالیاتی بسیار بیشتر از مالیات بر درآمد در سال ۱۳۹۹ (۳۷ هزار میلیارد تومان)، با رفع فقر نسبی و کاهش مصارف محدوده اسراف، نابرابری مصرف را نیز چه بر اساس سنجه ارزشی توازن و چه بر اساس سنجه اثباتی ضریب جینی، تا حد زیادی کاهش می‌دهد. (لازم به یادآوری است که برخی استثنائات جزئی مانند هبه،

جایزه و... که مشمول خمس نیستند، سهم قابل توجهی در سطح کلان و اثر خاصی در نتیجه محاسبات ندارند).

در ادامه ضمن توصیف عینی نابرابری بر اساس سنجه اسلامی توازن برای یک دوره زمانی در کشور، به بیان روش برازش و سنجش، بررسی تغییرات سنجه توازن و مقایسه آن با روند ضریب جینی و نیز برآورد یارانه، درآمد مالیاتی و تغییرات نابرابری و توازن ناشی از اجرای خمس خواهیم پرداخت.

## ۶. محاسبه کمی سنجه اسلامی توازن

### ۶-۱. روش برازش و سنجش

برای سنجش توازن، ابتدا توزیع هزینه، درآمد و نیز هزینه متوسط گروه‌های درآمدی را توسط یک الگوی<sup>۳۷</sup> توزیع برازش نموده‌ایم که رابطه آن از این قرار است (ابونوری و ذوقی، ۱۳۹۲):

$$F = 1 - \frac{1}{1 + sy^g} \quad \text{رابطه ۹}$$

در این رابطه  $F$ ،  $y$ ،  $g$  و  $s$  به ترتیب نماد فراوانی نسبی تجمعی، مقدار درآمد (یا هزینه)، ضریب جینی و یک مقدار ثابت هستند که مقادیر ثابت  $g$  و  $s$ ، ضمن لگاریتم‌گیری از رابطه و بهره‌گیری از مقادیر  $F$  و  $y$  بر اساس داده‌های طبقه‌بندی شده طرح درآمد و هزینه خانوار (مرکز آمار ایران)، با رگرسیون خطی و روش حداقل مربعات معمولی<sup>۳۸</sup> برآورد شده‌اند. مزیت این الگوی توزیع علاوه بر نیکویی برازش<sup>۳۹</sup> بالا (ضریب تعیین<sup>۴۰</sup> بیش از ۹۹ درصد در تمامی سال‌های مورد بررسی) و در نتیجه معناداری ضرایب و رگرسیون با اطمینان بالا، امکان برآورد ضریب جینی و مقایسه مقدار و روند آن با سنجه پیشنهادی است. همچنین برآوردها نشان‌گر آن است که این‌گونه روش‌های پارامتریک سنجش نابرابری، به دلیل عدم فرض یکنواختی توزیع در گروه‌های آماری، نابرابری درون‌گروهی را نیز اندازه‌گیری می‌نماید و در نتیجه بر روش ناپارامتریک برتری دارد (ابونوری و ذوقی، ۱۳۹۲).

37. Model

38. Ordinary Least Squares

39. Goodness of Fit

40. Coefficient of Determination

در این پژوهش، از فراوانی نسبی تجمعی هر گروه هزینه و کران بالای آن برای برآزش توزیع هزینه استفاده و سپس نقطه عطف در بخش نزولی توزیع فراوانی (شکل ۷) را به عنوان حد اسراف تعیین و سپس توزیع درآمد را نیز به همین روش برآزش نموده ایم. برای یافتن نقطه تقاطع در توابع (وارون فراوانی نسبی تجمعی) درآمد و هزینه به عنوان حد فقر (شکل ۵)، نیاز به برآزش توزیع هزینه متناسب با درآمد است که برای این منظور، هزینه متوسط هر گروه درآمد را به فراوانی نسبی تجمعی مربوط به درآمد متوسط آن گروه (با فرض شباهت ساختار توزیع هزینه و درآمد هر گروه و در نتیجه برابری تقریبی فراوانی نسبی تجمعی مربوط به این دو متوسط در هر گروه) اختصاص داده ایم؛ زیرا در این جا هدف، یافتن سطحی از هزینه خانوار است که برابر درآمد متناظر همان خانوار در توزیع یکسان درآمد می شود؛ بنابراین ناگزیر از حفظ ترتیب و تناظر خانوارها در توابع و در نتیجه به کارگیری توزیع هزینه متوسط گروه های درآمدی به جای توزیع هزینه هستیم تا حد فقری که در آن کل درآمد یک خانوار صرف هزینه اش می شود (حد کفاف) را بیابیم. در ادامه حدود فقر و اسراف را برای سنجش عدم توازن در توزیع هزینه (یا به عبارتی همان مصرف) به کار گرفته ایم (شکل ۹).

همچنین برای برآورد درآمد مالیاتی خمس، نیاز به اندازه گیری اختلاف درآمد از مصرف خانوار (تا پیش از حد اسراف) و اختلاف درآمد از حد اسراف (در محدوده پس از آن) می باشد که برای این منظور از توزیع درآمد و هزینه متوسط استفاده شده است. یارانه لازم برای رفع فقر نسبی نیز برابر با اختلاف درآمد از حد فقر در محدوده پیش از آن حد است (شکل ۱۰).

در نهایت با یافتن رابطه ریاضی میان درآمد و هزینه به ازای یک فراوانی نسبی تجمعی خاص، با تغییر توزیع درآمد پس از خمس، توزیع هزینه جدید و در نتیجه مقدار سنجه توازن (شکل ۱۱) و ضریب جینی برآوردی (شکل ۱۲) جدید را تعیین نموده ایم.

نکته پایانی نیز تجمیع فراوانی گروه های درآمد و هزینه و همچنین هزینه متوسط گروه های درآمد متناظر در شهر و روستا است که با وزن دهی به آن مقادیر بر اساس برآورد مرکز آمار ایران از نسبت خانوارهای شهر و روستا به خانوارهای کل کشور در هر سال، به میانگین موزون آن مقادیر برای کل خانوارهای کشور در آن سال دست یافته ایم.

## ۲-۶. سنجش توازن اسلامی و بررسی پیامدهای خمس در ایران

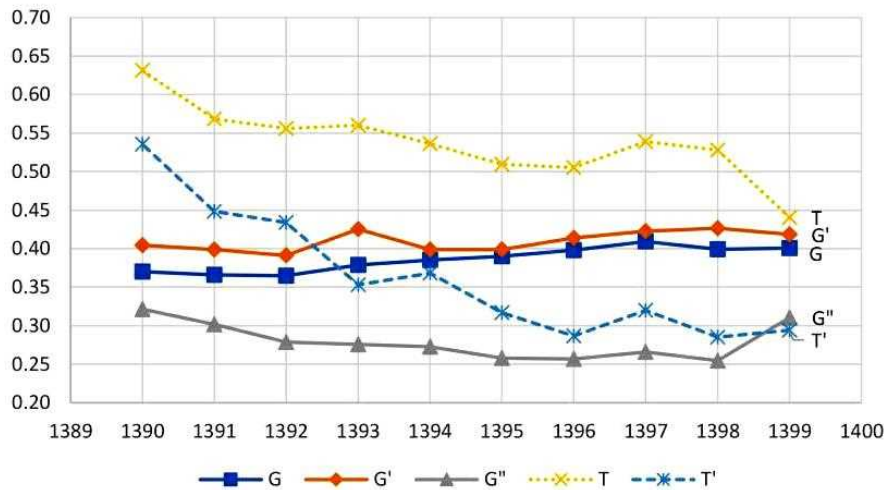
اکنون با بهره‌گیری از داده‌های طرح درآمد و هزینه خانوار سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ (مرکز آمار ایران) و سنجش سنجه توازن، برآورد ضریب جینی و تغییرات این سنجه‌ها پس از اجرای خمس و نیز مالیات و یارانه حاصل از آن، به توصیف و تبیین وضعیت نابرابری کشور و امکان بهبود آن بر اساس تحلیل و تجویز اسلامی می‌پردازیم.

**جدول (۴): برآورد پژوهش از ضریب جینی و سنجه توازن پیش و پس از خمس و نیز مالیات خمس و یارانه رفع فقر نسبی در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ و مقایسه با داده‌های مرتبط موجود**

یارانه رفع فقر نسبی (هزار میلیارد تومان) $S$	مالیات خمس (هزار میلیارد تومان) $K$	مالیات بر درآمد (هزار میلیارد تومان) $IT$	سنجه توازن پس از خمس $T'$	سنجه توازن پیش از خمس $T$	ضریب جینی پس از خمس $G''$	ضریب جینی پیش از خمس $G'$	ضریب جینی پیش از خمس (برآورد مرکز آمار) $G$	نسبت میانگین هزینه به میانگین درآمد (برآورد مرکز آمار) $\bar{C}/\bar{Y}$	سال
۷۹	۱۹۴	۳۷	۰/۲۹۴	۰/۴۴۰	۰/۳۱۰	۰/۴۱۸	۰/۴۰۱	۰/۸۲۹	۱۳۹۹
۱۳۹	۱۵۹	۲۹	۰/۲۸۵	۰/۵۲۸	۰/۲۵۵	۰/۴۲۷	۰/۳۹۹	۰/۸۷۷	۱۳۹۸
۱۲۷	۹۸	۱۹	۰/۳۲۰	۰/۵۳۹	۰/۲۶۶	۰/۴۲۳	۰/۴۰۹	۰/۹۰۶	۱۳۹۷
۸۹	۸۰	۱۵	۰/۲۸۷	۰/۵۰۵	۰/۲۵۷	۰/۴۱۴	۰/۳۹۸	۰/۸۹۶	۱۳۹۶
۹۰	۵۷	۱۵	۰/۳۱۷	۰/۵۰۹	۰/۲۵۸	۰/۳۹۹	۰/۳۹۰	۰/۸۹۶	۱۳۹۵
۱۰۵	۴۳	۱۲	۰/۳۶۸	۰/۵۳۶	۰/۲۷۳	۰/۳۹۹	۰/۳۸۵	۰/۹۳۶	۱۳۹۴
۹۲	۵۷	۹	۰/۳۵۳	۰/۵۶۰	۰/۲۷۶	۰/۴۲۵	۰/۳۷۹	۰/۹۷۷	۱۳۹۳
۱۲۲	۲۸	۸	۰/۴۳۴	۰/۵۵۶	۰/۲۷۹	۰/۳۹۱	۰/۳۶۵	۱/۰۱۸	۱۳۹۲
۹۷	۲۰	۶	۰/۴۴۸	۰/۵۶۹	۰/۳۰۲	۰/۳۹۹	۰/۳۶۶	۰/۹۹۷	۱۳۹۱
۱۰۴	۱۲	۵	۰/۵۳۵	۰/۶۳۱	۰/۳۲۲	۰/۴۰۴	۰/۳۷۰	۱/۰۲۵	۱۳۹۰

منبع: (محاسبات پژوهش، مرکز آمار ایران و خزانه‌داری کشور)

ارقام ضریب جینی و سنجه توازن را می‌توان در نمودار زیر بهتر دید:



منبع: (محاسبات پژوهش، مرکز آمار ایران و خزانه‌داری کشور)

شکل (۱۳): روند ضریب جینی مرکز آمار و برآورد پژوهش از ضریب جینی و سنجه توازن پیش و پس از خمس (۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹)

محاسبه نابرابری درون‌گروهی از طریق الگوی توزیع مورد نظر این پژوهش و چشم‌پوشی از آن در محاسبات دهکی مرکز آمار، خود را در برآورد بیشتر ضریب جینی این الگو ( $G'$ ) نسبت به ضریب جینی مرکز آمار ( $G$ ) نشان داده است. پیامد اجرای خمس نیز کاهش چشم‌گیر ضریب جینی ( $G''$ ) و سنجه توازن ( $T'$ ) می‌باشد. از سوی دیگر، سنجه توازن ( $T$ ) در جهت کاهش از مقدار بیشینه سال ۱۳۹۰ به مقدار کمینه سال ۱۳۹۹ و با تغییرات نسبت میانگین هزینه به میانگین درآمد ( $\bar{C}/\bar{Y}$ ) هم‌راستا به نظر می‌رسد (با ضریب هم‌بستگی ۰٫۸۹)؛ البته این روند کاهشی با دو استثناء در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۷ و نیز افزایش قابل توجه ضریب جینی در این دو سال همراه بوده است. به‌عنوان جمع‌بندی، انتظار می‌رود که با پیشی گرفتن رشد میانگین هزینه از رشد میانگین درآمد (به‌عبارتی رشد منفی میانگین درآمد واقعی) و در نتیجه افزایش کسری بودجه خانوار، بخش بیش‌تری از توزیع به زیر حد فقر و نیز با افزایش ضریب جینی و در نتیجه نابرابری، بخش بیش‌تری به بالای حد اسراف رود. به‌این ترتیب

می توان تغییرات سنجه توازن را با الگوی زیر توضیح داد:

$$T = \beta_1 G + \beta_2 \ln(\bar{c}) + \beta_3 \ln(\bar{y}) \quad \text{رابطه ۱۰}$$

جدول (۵): نتایج برازش الگو

$\beta_1$	$\beta_2$	$\beta_3$	
۲/۲۷۵	۰/۹۱۲	۰/۹۳۴-	برآورد ضریب
۰/۰۳۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	احتمال آماره t
۰/۸۷۴			ضریب تعیین

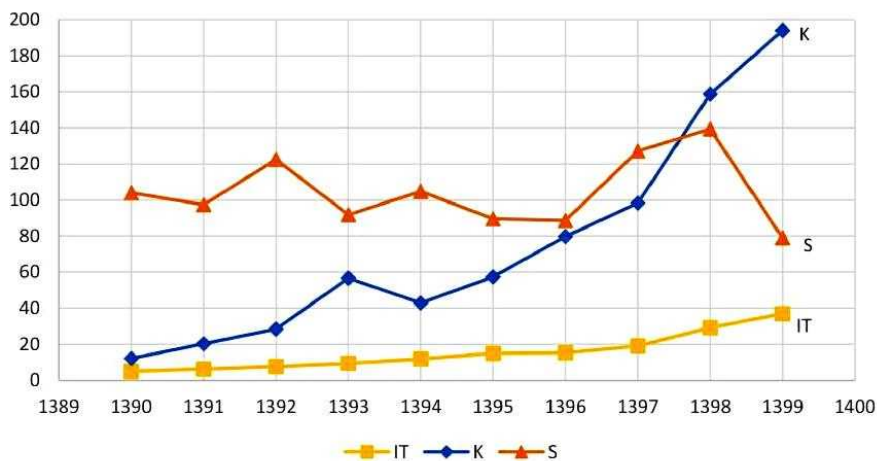
منبع: (محاسبات پژوهش)

برازش این الگو با استفاده از داده‌های برآوردی مرکز آمار و با ضریب تعیین ۸۷ درصد و معناداری ضرایب در سطح اطمینان ۹۵ درصد، توضیح‌دهندگی قابل‌قبولی از تغییرات سنجه توازن و نیز چرایی حساسیت بیشتر این سنجه در مقایسه با ضریب جینی نسبت به تغییرات توزیع در طول زمان، ارائه می‌دهد. (البته استفاده از داده‌های برآوردی پژوهش، به برازشی بهتر با ضریب تعیین ۹۳ درصد و معناداری ضرایب در سطح اطمینان ۹۹ درصد، جهت برآورد سنجه توازن پس از خمس ( $T'$ ) خواهد رسید). رگرسیون نشان می‌دهد که رابطه معنادار معکوس میان عدم توازن (افزایش سنجه توازن) و رشد میانگین درآمد ( $\beta_3 < 0$ ) و نیز رابطه معنادار مستقیم میان عدم توازن (افزایش سنجه توازن) و رشد میانگین هزینه ( $\beta_2 > 0$ ) وجود دارد. این دو رابطه مؤید عدم تضاد توازن مصرف با رشد درآمد است (بر خلاف دوگان کارایی - برابری در تحلیل مطلوبیت‌گرایانه نابرابری درآمد).

همچنین، پس از اعمال خمس، علاوه بر کاهش عدم توازن، امکان افزایش درآمد دولت نیز وجود دارد. مقایسه ارقام مالیات بر درآمد ( $IT$ ) (بر اساس داده‌های خزانه‌داری کل کشور) با مالیات خمس برآوردی ( $K$ ) مؤید این امر است و امکان جایگزینی خمس با پایه مالیات بر درآمد را نشان می‌دهد. در بسیاری از سال‌های مورد بررسی، خمس درآمد مازاد بر مصرف غیرمصرفانه، کفاف یارانه لازم برای رفع کامل فقر نسبی ( $S$ ) را نداده است؛ اما با فزونی رشد میانگین درآمد بر رشد میانگین هزینه در



جامعه و در نتیجه کاهش عدم توازن و فقر، این اختلاف رو به کاستی نهاده و حتی در سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ خمس از یارانه پیشی گرفته است.



منبع: (محاسبات پژوهش، مرکز آمار ایران و خزانه‌داری کشور)

شکل (۱۴): روند عملکرد مالیات بر درآمد و برآورد پژوهش از مالیات خمس و یارانه رفع فقر نسبی (۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹)

### نتیجه‌گیری

برای طراحی سیاست‌های توزیعی و بررسی پیامد توزیعی سیاست‌ها، سنجش نابرابری امری لازم است؛ البته هر تجویز سیاستی علاوه بر انتخاب سنجه توصیفی مناسب، به تحلیل ارزشی وضع عادلانه و نمود آن در فرایند سنجش و تبیین نابرابری هم نیاز دارد. بر همین اساس به فهم تحلیل مطلوبیت‌گرایی موجود در تابع رفاه اجتماعی، به‌عنوان چهارچوب متعارف تبیین نابرابری، و نقد آن بر اساس نظرهای خود اقتصاددانان متعارف پرداخته و گفته شد که مطلوبیت نه قابل سنجش عددی و نه حتی مقایسه ترتیبی است و فروض سنجه‌های نابرابری مبتنی بر آن نیز مخدوش هستند.

با آگاهی از نقص‌های تحلیل متعارف و ضرورت ابتدای تحلیل، تبیین و تجویز نابرابری بر اساس مبانی دینی، به جستجوی تحلیل اسلامی نابرابری در آیات و روایات و اجماع استنباط علمای اسلامی پرداختیم و وضع مطلوب اسلام در زمینه نابرابری

اقتصادی را، توازن اجتماعی به معنای برابری نسبی سطح مصرف افراد در محدوده میان دو حد فقر و اسراف دانستیم. در نتیجه تصویر اسلامی، شامل محدوده‌ای از نابرابری موجه و مقبول می‌باشد که ناشی از تفاوت‌های طبیعی و به دور از پیامدهای منفی مصارف نامتوازن مسرفانه و فقیرانه خواهد بود.

برای سنجش علمی نابرابری در مکتب اسلامی و به عبارتی همان عدم توازن، باید ابتدا حدود فقر و اسراف و سپس نسبت مجموع کسری هزینه فقرا از حد فقر و مازاد هزینه‌ها از حد اسراف (به عنوان فاصله وضع موجود از وضع مطلوب) به کل هزینه‌های جامعه (به عنوان وضع موجود) را اندازه‌گیری نماییم تا درصد واقعیت نامطلوب از کل وضعیت موجود به دست آید. با شناخت تحلیل اسلامی وضع مطلوب نابرابری و نیز یافتن سنجه و تبیینی متناسب با آن برای توصیف وضع موجود، تجویز چگونگی سیر از موجود به مطلوب را نیز با تمسک به منابع و بیان علمای مذکور یافتیم: مؤثرترین راه برای رفع نابرابری ناموجه و عدم توازن در مصرف، خمس درآمد (ارباح مکاسب) می‌باشد؛ چراکه در آن، معافیت مالیاتی به حد اسراف محدود گشته و در واقع مصارف بالاتر از این حد، مورد هدف قرار گرفته و در نتیجه به کاهش تا محدوده توازن سوق داده شده است. منابع این مالیات به قدری است که نه تنها جامعه اسلامی را قادر به کاهش و حتی رفع فقر نسبی سادات و بلکه کل جامعه می‌کند، بخش مهمی از بودجه دولت اسلامی را نیز تأمین می‌نماید.

دستاورد دیگر مقاله توصیف وضعیت عدم توازن کشور طی سال‌های دهه ۹۰ شمسی بود. با بهره‌گیری از داده‌های طرح درآمد و هزینه خانوار سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ (مرکز آمار ایران) نشان داده شد که سنجه توازن در این دوره روند کاهشی داشته است (کاهش عدم توازن)؛ با پیشی گرفتن رشد میانگین درآمد از رشد میانگین هزینه (به عبارتی رشد مثبت میانگین درآمد واقعی) و در نتیجه کاهش کسری بودجه خانوار، بخش بیشتری از توزیع به بالای حد فقر رفته و حتی افزایش ضریب جینی و در نتیجه نابرابری و به تبع مصرف مسرفانه در برخی از سال‌ها، مانع این روند عمومی کاهش نبوده است. از سوی دیگر، نتایج برازش الگو بیان‌گر وجود رابطه معنادار مستقیم میان عدم توازن (افزایش سنجه توازن) و رشد میانگین هزینه و ضریب جینی و نیز رابطه

معنادار معکوس آن با رشد میانگین درآمد می باشد که در ضمن، عدم تضاد توازن مصرف با رشد درآمد (بر خلاف دوگان کارایی - برابری در تحلیل مطلوبیت گرایانه نابرابری درآمد) را تأیید می کند. همچنین اعمال خمس، وضعیت توازن و ضریب جینی را بهبود می دهد و جایگزینی آن با مالیات بر درآمد فعلی، ظرفیت افزایش درآمد دولت را نیز دارا می باشد.

با توجه به اینکه سنجش اثرهای توزیعی سیاست ها و پایه گذاری برنامه های رفاهی بر اساس سنجه توازن مبتنی بر تحلیل اسلامی نابرابری، گامی مهم در راستای کاربست اقتصاد اسلامی در سیاست گذاری می باشد، این سنجه می تواند کاربردهای سیاستی فراوانی داشته باشد. علاوه بر این، اجرای خمس در بستر مالیات بر مجموع درآمد و مالیات بر عایدی سرمایه، در کنار تأمین حداقل معیشت عمومی و نیز تحدید اسراف، می تواند به تأمین بودجه از منابع شرعی و در نتیجه تحقق دولت اسلامی کمک شایانی نماید. طبیعی است که با افزایش گستره داده ها و توان پردازش، امکان سنجش دقیق تر و جزئی تر و حتی پیش بینی توزیع و روند عدم توازن و خمس فراهم می گردد.

این پژوهش، تلاشی در جهت ارائه تحلیلی اسلامی از نابرابری و به تبع تبیین و توصیف مبتنی بر آن و نیز بررسی آثار خمس به عنوان تجویز اسلامی رفع عدم توازن بوده است که طبعاً با توجه و دقت بیشتر پژوهشگران اقتصادی در موضوع شناسی و علمای دینی در حکم شناسی، امکان اتقان نظری و در نهایت اجرای عملی آن با اعلام ولی فقیه و اعمال حکومت اسلامی وجود دارد. پیشنهاد می شود که اهل پژوهش و علم، علاوه بر این موضوع به تحلیل نظری و آثار عملی زکات، موارد دیگر شمول خمس و سایر منابع مالی شرعی، به ویژه در رابطه با نابرابری ثروت، درآمد و مصرف، نیز بپردازند تا تصویر جامعی از مکتب اقتصادی اسلام در زمینه عدالت توزیعی فراهم آید.

#### کتابنامه

قرآن کریم.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲). من لا یحضره الفقیه. قم: جامعه مدرسین.

طراحی شاخص اسلامی توازن مصرف به عنوان بدیل... / محمد مهدی عبدی و محمد سلیمانی مطالعات اقتصاد اسلامی ۵۹۳

ابونوری، اسمعیل و ذوقی، الناز (۱۳۹۲). برآورد و مقایسه نابرابری توزیع درآمد با روش‌های پارامتریک و ناپارامتریک. پژوهش‌نامه اقتصاد کلان، ۸(۱۶)، ۱۳-۳۰.

بهشتی، سیدمحمد (۱۳۵۸). آذر (نوامبر) ۸ (۲۹). مصاحبه با مجله آلمانی «اشترن». بازیابی از خبرگزاری مشرق: mshrgh.ir/167109

بهشتی، سیدمحمد (۱۳۸۸). حزب جمهوری اسلامی؛ مواضع تفصیلی. تهران: بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید آیت‌الله دکتر بهشتی.

بهشتی، سیدمحمد (۱۳۹۰). حزب جمهوری اسلامی؛ گفتارها، گفت‌وگوها و نوشتارها. تهران: بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید آیت‌الله دکتر بهشتی.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (بی‌تا). غرر الحکم و درر الکلم. قم: دار الکتب الإسلامیة.  
حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶). تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة. قم: موسسه آل‌البیت (علیهم‌السلام) لاحیاء التراث.

حکیمی، محمدرضا، محمد و حکیمی، علی (۱۳۸۰). الحیاه. ترجمه احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

خامنه‌ای، سیدعلی. مجموعه بیانات. بازیابی از: khamenei.ir

خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۸). ولایت فقیه؛ حکومت اسلامی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه).

خمینی، سیدروح‌الله (بی‌تا). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه).

رجایی، سیدمحمدکاظم (۱۳۹۲). مفهوم و شاخص عدالت اقتصادی. معرفت اقتصاد اسلامی، ۵(۹)، ۷۹-۱۰۴.

سلیمانی، محمد و سرمست شوشتری، مهدی (۱۳۹۸). طراحی الگوی «جایگزینی خمس ارباح مکاسب و مالیات بر مجموع درآمد در اقتصاد اسلامی ایران. معرفت اقتصاد اسلامی، ۱۰(۲۰)، ۱۷۹-۱۹۶.

صاحب‌جواهر، محمدحسن (۱۴۰۶ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۲۱ق). الإسلام یقود الحیة (موسوعة الشهید الصدر ج ۵). قم: مرکز الأبحاث والدراسات التخصصیة للشهید الصدر.

صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۲۱ق). المدرسة الإسلامیة (موسوعة الشهید الصدر ج ۵). قم: مرکز

الأبحاث والدراسات التخصصية للشهيد الصدر.

صدر، سيد محمد باقر (۱۴۲۴ق). *اقتصادنا (موسوعة الشهيد الصدر ج ۳)*. قم: مركز الأبحاث والدراسات التخصصية للشهيد الصدر.

طباطبای، سيد محمد حسين (۱۴۱۷ق). *الميزان في تفسير القرآن*. قم: مكتبة النشر الإسلامي. عیوضلو، حسين (۱۳۸۴). *عدالت و کارایی در تطبيق با نظام اقتصادي اسلام*. تهران: دانشگاه امام صادق (عليه السلام).

غفورزاده، حسين و عسکری، محمد مهدی (۱۳۹۳). *تحليل مقایسه‌ای شاخص فقر چند بُعدی در اسلام و اقتصاد متعارف. مطالعات اقتصاد اسلامي، ۶(۱۲)، ۵۳-۸۲*. کاشیان، عبدالمحمد (۱۳۹۴). *طراحی الگوی یکپارچه‌سازی نظام منابع مالی اسلامی و مالیات‌های متعارف در ایران*. (رساله دکتری). بازیابی از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج):

<https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/2f3884f70639c324303da3caa7c9ff9a>

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲). *الكافی*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

مختاریند، محمود (۱۳۹۹). *تبیین نظری خط فقر از دیدگاه اقتصاد اسلامی بر اساس استانداردهای آماری اقتصاد ایران. جستارهای اقتصادي ایران، ۱۷(۳۳)، ۵۹-۸۵*. مرکز آمار ایران. *نتایج آماری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی کشور*. بازیابی از: [amar.org.ir](http://amar.org.ir)

مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). *مجموعه آثار شهید مطهری*. تهران: صدرا.

یوسفی، احمدعلی (۱۳۹۵). *رابطه کفاف و توسعه در مصرف بر اساس روایات اسلامی*. علوم حدیث، ۲۱(۲)، ۱۳۸-۱۵۸.

## References

*The Holy Quran* (In Arabic)

Abu Nouri, Ismail & Zoghi, Elnaz. (2013). *Estimating and Comparing Income Distribution Inequality with Parametric and Non-Parametric Methods*. *Macroeconomic Research Journal*, 8(16), 13-30. (In Persian)

al-Hurr al-Amili, Mohammad bin Hassan. (1995). *Wasail al-Shia*. Qom: Al al-Bayt Foundation. (In Arabic)

al-Kulayni, Mohammad bin Yaqub (1983). *al-Kafi*. Tehran: Islamic Books House. (In Arabic)

al-Najafi, Mohammad Hassan (1986). *Jawahir al-Kalam*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. (In Arabic)

al-Sadr, Sayyid Mohammad Baqir (2000[1962]). *Islamic School (Encyclopedia of Martyr Sadr vol. 5)*. Qom: Center for Research and Specialized Studies for Martyr Sadr. (In Arabic)

- al-Sadr, Sayyid Mohammad Baqir (2000[1979]). *Islam Leads the Life (Encyclopedia of Martyr al-Sadr vol. 5)*. Qom: Center for Research and Specialized Studies for Martyr Sadr. (In Arabic)
- al-Sadr, Sayyid Mohammad Baqir (2003[1961]). *Our Economy (Martyr al-Sadr Encyclopedia, vol. 3)*. Qom: Center for Research and Specialized Studies for Martyr Sadr. Sadr, (In Arabic)
- al-Saduq, Mohammad bin Ali ibn Babawayh (1983). *Man la Yahduruh al-Faqih*. Qom: Teachers Association. (In Arabic)
- Arrow, K. J. (1963 [1951]). *Social Choice and Individual Values*. New York: John Wiley & Sons.
- Beheshti, Sayyid Mohammad Hosseini (1979 November 29). Interview with the German magazine "Stern". Retrieved from Mashregh News Agency: mshrgh.ir/167109 (In Persian)
- Beheshti, Sayyid Mohammad Hosseini (2009). *Islamic Republic Party; Detailed Positions*. Tehran: Foundation for the Publication of the Works and Thoughts of the Martyr Ayatollah Dr. Beheshti. (In Persian)
- Beheshti, Sayyid Mohammad Hosseini (2011). *Islamic Republic Party; Speeches, Conversations and Writings*. Tehran: Foundation for the Publication of the Works and Thoughts of the Martyr Ayatollah Dr. Beheshti. (In Persian)
- Bentham, J. (2011 [1823]). *An Introduction to the Principles of Morals and Legislation* (Digital ed.). Liberty Fund.
- Cowell, F. A. (2011). *Measuring Inequality*. New York: Oxford University Press.
- Ghafourzadeh, Hossein & Askari, Mohammad Mahdi (2014). *Comparative Analysis of the Multidimensional Poverty Index in Islam and the Conventional Economics*. *Islamic Economics Studies*, 6(12), 53-82. (In Persian)
- Hakimi, Mohammad Reza, Mohammad & Ali (2001). *al-Hayah*. (Aram, Ahmad, Translator) Tehran: Islamic Culture Publishing Office. (In Persian)
- Jevons, W. S. (2013 [1911]). *The Theory of Political Economy*. London: Palgrave Macmillan.
- Kashian, AbdolMohammad (2015). *Designing a Model for Integrating the System of Islamic Financial Resources and Conventional taxes in Iran (Doctoral Dissertation)*. Retrieved from Iran Scientific Database (Ganj): <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/2f3884f70639c324303da3caa7c9ff9a> (In Persian)
- Keynes, J. M. (1963 [1931]). *Essays in Persuasion*. New York: W. W. Norton & Company.
- Khamenei, Sayyid Ali Hosseini. Collection of Statements. Retrieved from khamenei.ir.
- Khomeini, Sayyid Ruhollah Mousavi (2009). *Welayah Faqih; Islamic Government*. Tehran: Imam Khomeini Publishing House. (In Persian)
- Khomeini, Sayyid Ruhollah Mousavi *Sahifah Imam*. Tehran: Imam Khomeini Publishing House. (In Persian)
- Marshall, A. (2013 [1920]). *Principles of Economics*. New York: Palgrave Macmillan.

- Mokhtarband, Mahmoud (2020). *Theoretical Explanation of the Poverty Line from the Perspective of Islamic Economics Based on Statistical Standards of Iranian Economy*. Iranian Economic Research, 17(33), 59-85. (In Persian)
- Motahhari, Mortaza. *The Collection of the Martyr Motahhari*. Tehran: Sadra. (In Persian)
- Pigou, A. C. (2011[1932]). *The Economics of Welfare* (Digital ed.). Liberty Fund.
- Rajaei, Sayyid Mohammad Kazem (2013). *The Concept and Index of Economic Justice*. Knowledge of Islamic Economics, 5(9), 79-104. (In Persian)
- Robbins, L. (2007[1935]). An Essay on the Nature and Significance of Economic Science. In D. M. Hausman (Ed.), *The Philosophy of Economics An Anthology* (pp. 73-99). New York: Cambridge University Press.
- Sen, A. & Foster, J. (1997). *On Economic Inequality*. New York: Oxford University Press.
- Statistical Center of Iran. Results of the Urban and Rural Household Income and Expenditure Survey in the Country. Retrieved from amar.org.ir
- Tabatabai, Sayyid Mohammad Hossein (1996). *al-Mizan fi Tafsir al-Quran*. Qom: Islamic Publishing House. (In Arabic)
- Yousefi, Ahmad Ali (2016). *The Relationship Between Sufficiency and Expansion in Consumption Based on Islamic Traditions*. Hadith Knowledge, 21(2), 138-158. (In Persian)